

سیاست‌زدگی و حکمرانی امنیت ملی؛ روندها، الگوها و پیامدها

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۷

سعید صادقی جقه*

چکیده

سیاست‌زدگی یا سیاسی کردن در معنای عام به دخالت دادن و ترجیح انگیزه‌های سیاسی و گروهی در داوری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها اطلاق می‌شود. در حوزه حکمرانی، سیاست‌زدگی عبارت است از رعایت نکردن اصل بی‌طرفی در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و دخالت دادن دیدگاه‌ها، گرایش‌ها و سوگیری‌های سیاسی در امور حرفه‌ای؛ که ممکن است در سطوح و الگوهای مختلف بروز یابد. هرچند سیاست‌زدگی در همه حوزه‌های کشورداری از مهم‌ترین آسیب‌ها و عوامل ناکارآمدی به‌شمار می‌رود، اما در حوزه حکمرانی امنیت ملی پیامدهای مخرب‌تری دارد. در چنین حالتی، کارگزاران، کنش‌گران سیاسی و تحلیل‌گران راهبردی و اطلاعاتی ترجیحات سیاسی‌شان را در مراحل مختلف انتخاب موضوع، جمع‌آوری داده‌ها، پردازش و تحلیل اطلاعات و تولید گزارش‌ها دخالت داده و از عینیت‌گرایی به نفع مصالح سیاسی صرف‌نظر می‌کنند. این پژوهش با مطالعه روندها و رخداد‌های برجسته حوزه حکمرانی امنیت ملی در ایران، ابعاد و اثرگذاری این موضوع را بررسی کرده و یافته‌های آن نشان می‌دهد که سیاست‌زدگی در قالب‌هایی نظیر قطبی‌شدگی، نفوذ، موازی‌کاری و افشاگری یا نشت اطلاعات، هزینه‌های سیاسی و امنیتی قابل توجهی در پی دارد. بر این اساس، پیشنهادهایی برای کنترل سیاست‌زدگی یا مدیریت پیامدهای آسیب‌زای آن ارائه شده است.

واژگان کلیدی: حکمرانی امنیت ملی، سیاست‌زدگی، قطبی‌شدگی، نفوذ، موازی‌کاری، افشاگری.

* عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مقدمه

با الهام از گفته تامس پئین^۱ درباره دولت، می‌توان گفت سیاست در بهترین حالت خود، چیزی جز شر ضروری نیست. در واقع، سیاست نه فی‌نفسه به‌عنوان یک هدف، بلکه باید به‌عنوان ابزاری برای حفظ و تقویت وحدت حول ملت و تأمین کالاهای عمومی در نظر گرفته شود. از همین رو، باید تا جایی که امکان دارد، از تنظیم همه چیز در جامعه -از ورزش گرفته تا هنر یا نحوه تعاملات روزانه- بر محور سیاست اجتناب کرد؛ چون سیاست نمی‌تواند به‌اندازه فرهنگ، اخلاق و سایر فضیلت‌ها اهمیت داشته باشد. به‌رغم واقعیت مذکور، امروزه به دلیل توان اثرگذاری بسیار زیاد، سیاست در همه حوزه‌های اجتماع بسط یافته و کمتر موضوع/حوزه‌ای را می‌توان یافت که از سیاست تأثیری نپذیرفته باشد. این تأثیر به اندازه‌ای است که اکنون بسیاری از حوزه‌های زندگی فردی و جمعی «سیاست‌زده»^۲ شده است.^۳

اگر کارنامه حکمرانی امنیتی را با شاخص‌های چهارگانه پیشگیری و بازدارندگی، ایجاد و برقراری اطمینان و امنیت، حفاظت از دستاوردهای امنیتی و موفقیت در برابر تهدیدهای ناشناخته و نوپدید و ممانعت از غافل‌گیری مورد سنجش قرار دهیم، می‌توان گفت که سیاست‌زدگی در همه این ابعاد اثر منفی دارد. به بیان دیگر، سیاست‌زدگی با تقویت تفسیرگرایی‌های سلیقه‌ای، زمینه تضعیف و شکست اطلاعاتی را فراهم می‌کند. به این ترتیب، برآوردها و تحلیل‌های اطلاعاتی و راهبردی، از عینیت و ارزش حرفه‌ای و تخصصی تهی شده و ناکارآمدی اطلاعاتی رخ می‌دهد؛ که این نیز متعاقباً بی‌اعتباری نهاد اطلاعات و نهایتاً بی‌ثباتی سیاسی و راهبردی حاکمیت را فراهم کرده و آن را در معرض فروپاشی قرار خواهد داد. از همین رو بوده که اغلب دلسوزان و مقامات ارشد نظام و در رأس آنها مقام رهبری، در

1. Thomas Paine (1737-1809)

2. Politicized

۳. سیاست‌زدگی همچنین می‌تواند به معنای دلزدگی از سیاست، سیاست‌گریزی (apoliticism)، احتراز از هرگونه رویکرد سیاسی، بی‌اعتنایی به رخدادهای سیاسی روزمره و مشارکت‌نکردن در امور سیاسی نیز تعریف شود. سیاست‌زدگی با این مفهوم نیز پیوندی دارد؛ چون با سیاست‌زده‌شدن عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، هنری، آموزشی و ... لاجرم زمینه گریز شهروندان از سیاست و بی‌تفاوتی نسبت به حوزه سیاست فراهم می‌شود. اما منظور ما در این مقاله، تنظیم رویکردها و قضاوت‌ها بر اساس دیدگاه‌ها و منافع سیاسی است.

مناسبت‌های مختلف سیاست‌زدگی یا «جناح‌بازی» در این حوزه را «گناه» دانسته‌اند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۱/۲۹). در موردی دیگر، رئیس قوه قضاییه با یادآوری اهمیت اجتناب از جناح و جناح‌بازی در وزارت اطلاعات، این وزارتخانه را مجموعه‌ای فراقوه‌ای و متعلق به کل نظام اسلامی دانسته و اشاره کرد که «در وزارت اطلاعات فقط یک جناح وجود دارد و آن هم جناح انقلاب و ولایت است» (رئیس، ۱۴۰۰/۰۱/۱۵).

در پژوهش حاضر که با رهیافت استقرایی و مطالعه روندها و رخدادهای برجسته حوزه حکمرانی امنیت ملی انجام شده است، ضمن تمرکز بر سیاست‌زدگی در حوزه اطلاعات، تلاش خواهد شد مصادیق و جوانبی از آن در عرصه‌های مختلف کشورداری نیز مورد توجه و بررسی قرار گیرد تا ابعاد متنوع و لاجرم اثرگذاری عمیق و گسترده آن در همه این حوزه‌ها پیش چشم مخاطب ترسیم شود. به عبارت دیگر، محقق می‌کوشد پس از مرور ادبیات نظری و تجربی مرتبط با سیاست‌زدگی در حوزه عمومی حکمرانی و نیز حکمرانی امنیت ملی، با برشمردن قرائن و موارد مکفی، تصویری از سیاست‌زدگی فراگیر در فضای حکمرانی در ایران را در منظر خواننده قرار بدهد. سپس، با تمرکز بر حوزه حکمرانی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، برخی رخدادهای روندها و الگوهای پربسامد و برجسته از سیاست‌زدگی همانند قطبی‌شدگی، نفوذ، موازی‌کاری، افشاگری یا نشت اطلاعات که مختص حوزه حکمرانی امنیت ملی بوده یا در تقویت و تضعیف آن نقش موثری دارند، به صورت خاص مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نوشتار با ارائه برخی پیشنهادها برای کاهش سیاست‌زدگی یا مدیریت پیامدهای آسیب‌زای آن پایان یافته است.

الف. پیشینه پژوهش

شاید بتوان سخنرانی رابرت گیتس^۱ (از روسای پیشین سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده) با عنوان «مقابله با سیاست‌زدگی» (2007) را از مهم‌ترین منابع مرتبط با سیاست‌زدگی در سازمان‌های اطلاعاتی دانست. با اینکه این سخنرانی از چارچوب مفهومی برخوردار نیست، اما

1. Robert Gates

به دلیل برخورداری گوینده از تجربه حرفه‌ای در سطوح بالا، نکات قابل تأملی در خود جای داده است. در این سخنرانی، وی تلاش می‌کند تا آسیب‌های سیاست‌زدگی را برای کارکنان سازمان اطلاعاتی ایالات متحده روشن کند. مقاله بتس (76-57: 2003) تحت عنوان «سیاست‌زدگی اطلاعات: هزینه‌ها و فایده‌ها» در مجموعه مقالات «تناقض‌نماهای اطلاعات راهبردی» موضوع سیاست‌زدگی اطلاعات را بررسی کرده است. در این مقاله اثرگذار، زمینه‌های سیاست‌زدگی و پیامدهای آن مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، بعضی جوانب سیاست‌زدگی در سازمان‌های اطلاعاتی در این مقاله مغفول مانده است.

ویرتز^۱ (2004) در گفتار خود با عنوان «سلسله مباحثات درباره نبرد در خلال جنگ ویتنام» که در مجموعه مقالات «اطلاعات راهبردی: دریچه‌ای به دنیای مخفی» منتشر شده، سیاست‌زدگی اطلاعات را به صورت موردی در جنگ ویتنام مطالعه کرده است. وی از اولویت یافتن رضایت‌مندی مقام‌های سیاسی و تصمیم‌گیران در تولید و ارائه اطلاعات راهبردی به‌عنوان مهم‌ترین علت ناکامی اطلاعاتی ایالات متحده در این جنگ یاد می‌کند. یوری بار-جوزف^۲ (2013) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌زدگی اطلاعات: مطالعه‌ای تطبیقی» با بررسی پرونده‌های اطلاعاتی بایگانی‌شده در سه کشور ایالات متحده، انگلستان و اسرائیل نشان می‌دهد که سیاست‌زدگی معضل همه سازمان‌های اطلاعاتی است. بار-جوزف در اثر برجسته دیگرش (۱۳۹۴) با عنوان «مداخله اطلاعات در سیاست کشورهای دموکراتیک» رابطه سیاست و اطلاعات را با چهار رهیافت آرمان‌گرایانه، حرفه‌ای، واقع‌گرایانه و استبدادی مورد مطالعه قرار داده است.

پیلار^۳ (2010) در مقاله خود با عنوان «مخاطرات سیاست‌زدگی» در مجموعه مقالات «راهنمای اطلاعات امنیت ملی» به موضوع سیاست‌زدگی در سازمان‌های اطلاعاتی پرداخته و پیامدهای سیاست‌زدگی در اطلاعات را بررسی کرده است. یکی از تفاوت‌های کار وی با سایر آثار، در این است که وی سیاست‌زدگی سازمان‌های اطلاعاتی را به تأثیرگذاری و دخالت سوگیرانه سیاست در تحلیل‌های اطلاعاتی محدود ندانسته و بر اساس برداشتی که از

1. James Wirtz
2. Uri Bar-Joseph
3. Paul R. Pillar

سیاست‌زدگی در حوزه جامعه‌شناسی وجود دارد (به معنای سیاسی شدن ساختارهای اجتماعی) انتشار و عیان‌کردن اطلاعات در عرصه جامعه را مهم‌ترین شکل سیاست‌زدگی اطلاعات می‌داند. اولاف ریسته (2009) در مقاله‌اش با عنوان «رابطه اطلاعات-سیاست‌گذار و سیاست‌زدگی اطلاعات» که در مجموعه مقالات «نظام‌های ملی اطلاعات: پژوهش‌های کنونی و چشم‌اندازهای آتی» منتشر شده، برخی موارد سیاست‌زدگی اطلاعات در نظام‌های اطلاعاتی ایالات متحده و بریتانیا را بررسی کرده و به صورت ویژه با اشاره به گزارش‌های اطلاعاتی ایالات متحده و بریتانیا هنگام حمله به عراق در سال ۲۰۰۳، سیاست‌زدگی در این مورد را مورد توجه قرار داده است.

راونر^۱ (2013) در مقاله پژوهشی خود تحت عنوان «آیا امکان دارد سیاست‌زدگی چیز خوبی باشد؟» بر این نظر است که به‌رغم آسیب‌های احتمالی، حدی از سیاست‌زدگی اطلاعات می‌تواند مفید بوده و تداوم حضور «اطلاعات» در عرصه سیاست‌گذاری را تضمین کند. از نظر وی، سه نوع آسیب در روابط اطلاعات و سیاست وجود دارد: هماهنگی بیش از حد، نادیده‌گرفتن اطلاعات، سیاست‌زدگی. ناتان وودارد^۲ (2013) در مقاله‌ای با عنوان «چشیدن مزه میوه ممنوعه: راهی به سوی ظرفیت‌های سیاست‌زدگی مثبت» به این موضوع اشاره می‌کند که هرگونه سیاست‌زدگی نیت‌مند، به دلیل تضعیف عینیت و اعتبار تحلیل‌ها، در میان تحلیل‌گران اطلاعاتی امری مذموم شمرده می‌شود. با این حال، وی ضمن اینکه برخی اشکال سیاست‌زدگی را «به‌وضوح غیراخلاقی» می‌داند، اما تأکید می‌کند که سیاست‌زدگی ذاتاً شر نبوده، بلکه در حقیقت از نظر اخلاقی خنثی است و اگر به نحو مناسب کنترل شود، می‌تواند مزایایی برای تصمیم‌گیری درست‌تر سیاست‌گذاران به همراه داشته باشد. از نظر وی «سیاسی‌سازی نیت‌مند، عینی‌تر از تأثیرپذیری‌های سهوی است؛ چون پنهان نمی‌کند که شواهد نهایتاً به کجا منتهی می‌شوند». وی تأکید دارد که با جداکردن عینیت^۳ و بی‌طرفی^۴ مشخص می‌شود که لزومی ندارد از موضع‌گیری‌های مبتنی بر شواهد یا توصیه‌های سیاستی مبتنی بر داوری حرفه‌ای اجتناب شود.

1. Joshua Rovner
 2. Nathan Woodard
 3. Objectivity
 4. Neutrality

پیترز و پی‌یر (۱۳۸۴) نیز در مجموعه مقالات «رویکردی تطبیقی به سیاست‌زدگی دستگاه اداری: تلاش برای کنترل» موضوع سیاست‌زدگی دستگاه اداری و شیوه‌های مقابله با آن را در تعدادی از کشورهای اروپایی بررسی کرده‌اند. منظور از سیاست‌زدگی در این کتاب، اشغال سمت‌های دولتی توسط مدیران سیاسی است. سالارکیا (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست‌زدگی و کارآمدی در نظام اجرایی» استفاده از هواداری سیاسی به عنوان معیار انتصاب مدیران را مورد بررسی قرار داده است. از نظر او، تضمین تعهد سیاسی به راهبردها برای دستیابی به کارآمدی، مهم‌ترین دلیل سیاست‌زدگی در انتصاب مقام‌ها است که مهم‌ترین پیامد منفی آن نیز نقض شایسته‌سالاری خواهد بود. مقاله خسروی (۱۳۹۰) با عنوان «سیاست‌زدگی اطلاعات: از بی‌هویتی سازمان اطلاعاتی تا ناکامی نظام سیاسی» از محدود مقالاتی است که به طور خاص، رابطه میان سیاست و اطلاعات و پیامد سیاست‌زدگی بر سازمان‌های اطلاعاتی و نظام سیاسی را بررسی کرده است. از نقاط قوت مقاله مذکور، می‌توان به پیشرو بودن آن در تحقیقات ایرانی و نیز فراهم کردن چارچوب مفهومی مناسب در ارتباط با سیاست‌زدگی اطلاعات اشاره کرد؛ هرچند جا داشت در این مقاله زمینه‌ها و پیامدهای سیاست‌زدگی به‌طور جامع‌تری مورد اشاره قرار بگیرند.

سالارکیا و میرمحمدی (۱۳۹۷) در کتابی با عنوان «سیاست‌زدگی در سازمان‌های اطلاعاتی» ضمن بررسی جامع ادبیات پژوهش در حوزه سیاست‌زدگی در سازمان‌های اطلاعاتی، سیاست‌زدگی در این سازمان‌ها را از سه جنبه زمینه‌ها، فرآیندها و پیامدها مطالعه کرده و راه‌کارهایی نیز برای جلوگیری از وقوع یا مقابله با سیاست‌زدگی ارائه کرده‌اند. این دو محقق، با الهام از دیدگاه‌های بار-جوزف (۱۳۹۴) و ضمن اشاره به سه آسیب موجود در روابط میان اطلاعات و سیاست که راوئر (2013) بررسی کرده (یعنی هماهنگی بیش از حد، نادیده گرفتن اطلاعات، سیاست‌زدگی) آسیب چهارمی را نیز تحت عنوان «مداخله اطلاعات در سیاست» مطرح کرده‌اند. بث آیزنفلد^۱ (2017) در مقاله‌اش با عنوان «معضل اطلاعات: مجاورت و سیاست‌زدگی - تحلیل تأثیرات بیرونی» رابطه بین سیاست‌گذاری و اطلاعات

راهبردی و عوامل بیرونی اثرگذار بر اطلاعات را بررسی کرده است. او اشاره می‌کند که به‌رغم وجود ادبیات زیاد در مورد رابطه بین کاربران و تولیدکنندگان اطلاعات، درباره رابطه بهینه میان این دو اتفاق نظر وجود ندارد. وی به این نکته برجسته اشاره کرده که دو مفهوم «مجاورت»^۱ با سیاست و سیاست‌زدگی، به معضلی تبدیل شده که زمینه تفاسیر و مجادلات فراوان درباره سیاسی شدن را فراهم می‌کند. وی اشاره کرده که به‌رغم اینکه در کشورهای مردم‌سالار، که سیاست‌ها توسط نمایندگان مردم اتخاذ می‌شود، افراد و گروه‌های زیادی تلاش می‌کنند از طریق تعامل با تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران، بر تصمیمات اثر بگذارند، موضوع اثرگذاری بیرونی بر تحلیل‌گری اطلاعات و سیاست‌زدگی آن هنوز به‌طور کافی مورد بررسی قرار نگرفته است.

همان‌طور که در بالا به نمونه‌هایی اشاره شد، در حوزه امنیت ملی و نیز سیاست‌زدگی اطلاعات آثار متعددی منتشر شده است. با این حال، درباره تأثیر سیاست‌زدگی بر حکمرانی امنیت ملی در مفهوم جدیدتر و موسع آن، به‌طور خاص تحقیقی انجام نشده است. بنابراین، این مقاله از این نظر تا حدود زیادی نوآورانه محسوب می‌شود؛ به‌ویژه آنکه در این مقاله، موضوع قطبی‌شدگی نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پیامدهای سیاست‌زدگی به‌صورت ویژه مورد تأمل قرار گرفته و با بررسی برخی نمونه‌ها از حوزه عام کشورداری و نیز حوزه خاص حکمرانی امنیت ملی، نشان داده شده که سیاست‌زدگی چگونه از طریق قطبی‌شدگی (به‌عنوان متغیر واسطه) بر حکمرانی امنیت ملی اثر می‌گذارد.

ب. تعاریف مفهومی و چارچوب تحلیلی

۱. امنیت و حکمرانی امنیت ملی

امنیت ملی، مفهومی است که پس از تأسیس دولت‌های ملی مورد استفاده قرار گرفته است. به‌رغم استفاده گسترده از این مفهوم در متون علوم سیاسی، به دشواری می‌توان تعریف واحدی برای آن در نظر گرفت؛ به‌ویژه آنکه در دهه‌های اخیر، مفهوم امنیت ملی و

سیاست‌گذاری برای آن شاهد تحولات زیادی بوده است. در خلال تحولات مذکور، نظریه‌های سراسر و بسیط که امنیت ملی را در مؤلفه‌هایی محدود تعریف می‌کردند، جای خود را به تعاریفی دادند که بر پیچیدگی و چندوجهی بودن این مفهوم تأکید داشته و در تعیین مختصات امنیت و سازوکار برقراری آن، برای شهروندان و جامعه نیز نقشی هم‌سنگ دولت ملی قائل شده‌اند. برای نمونه، مکتب کپنهاک از جمله نظریه‌هایی است که امنیت را از انحصار مولفه‌های نظامی درآورده و ابعاد اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و انسانی را نیز لحاظ کرده است. در این رویکرد، هرچند دولت کماکان مرجع و کارگزار امنیت است، اما امنیت و تهدیدهای مرتبط با آن به حوزه دولت محدود نمانده است. از همین رو، در این رویکرد، تأکید می‌شود که مطالعات مربوط به امنیت، حوزه‌ای گسترده‌تر از دولت را پوشش می‌دهند (بوزان، ۱۳۸۹: ۴۰).

حکمرانی امنیتی، مفهومی نسبتاً جدید در حوزه مدیریت امنیتی است. تغییر پارادیم‌های امنیتی و توجه به نقش افراد و منابع انسانی کشورها در حوزه امنیت پس از پایان جنگ سرد مورد توجه قرار گرفت. در رویکردهای جدید، به تبع بروز یا تشدید بحران‌های اقلیمی (گرم‌شدن هوا و آلودگی محیط زیست) و نیز جنبش‌های مرتبط با آنها، معضلات بهداشتی و بیماری‌های واگیر (همانند ایدز)، جریان‌های جمعیتی (نظیر مهاجرت‌های گسترده) و... امنیت جوامع و امنیت انسانی هم‌ارز یا مهم‌تر از امنیت دولت‌ها تلقی شد (Westermeyer, 2013: 54-55). کراهمان^۱ به‌عنوان یکی از نخستین کسانی که مفهوم «حکمرانی امنیتی» را در مقاله «مفهوم‌سازی حکمرانی امنیتی» (Krahmann, 2003: 5-21) به‌کار برده است، در تعریفی که با نظریه‌های کلاسیک و سنتی تفاوت‌هایی اساسی دارد، نقش بسیط و سراسر دولت را از تأمین‌کننده انحصاری امنیت در مقابل سایر دولت‌ها، به سازمان توانمندساز، مقررات‌گذار و استفاده‌کننده از نهادهای غیردولتی تغییر داده است.

در این تعبیر، موضوع حکمرانی و سیاست‌گذاری امنیتی هم از تمرکز انحصاری بر امور نظامی، به حوزه‌ای گسترده‌تر متشکل از تهدیدهای اقتصادی، منابع زیست‌محیطی و

1. Elke Krahmann

مسائل اجتماعی تغییر یافته است (کراهمان، ۱۳۸۷). از نظر هاینر هنگی^۱ نیز در حکمرانی امنیتی، موضوعات متفاوت (در ابعاد مختلف نظامی و غیرنظامی) با استفاده از سازوکارهایی پیچیده و در تعامل با بازیگران مختلف (دولتی و غیردولتی) مدیریت می‌شود (Westermeyer, 2013: 57). کرچنر^۲ حکمرانی امنیتی را شیوه‌ای از کشورداری می‌داند که از طریق جلب همکاری و مدیریت بخش‌های عمومی و خصوصی به تأمین امنیت اقدام می‌کند (Kirchner, 2007, 3). مارینا کاپارینی^۳ به «حکمرانی امنیتی هنجارمند» اشاره می‌کند که همان حکمرانی خوب بوده و در مقایسه با حکومت، بهره‌مندی شهروندان از امنیت را در اولویت بالاتری می‌داند؛ ضمن اینکه از نظر وی، شهروندان نه تنها در برخوردارگی از امنیت، بلکه در تأمین و عرضه امنیت نیز حق مشارکت دارند. در این دیدگاه «دولت در نظام‌بخشی به فعالیت بازیگران غیردولتی در راستای تأمین کالای عمومی نقشی محوری دارد» (Caparini, 2006, 270).

با این اوصاف، حکمرانی امنیتی صرفاً به معنای تأمین امنیت حاکمان از طریق مؤلفه‌ها، نیروها و نهادهای امنیتی نبوده (Bossong and Hegemann, 2015: 1-8) بلکه نوعی از مدیریت امنیتی است که در آن، علاوه بر امنیت و کارگزاری دولت، امنیت و کارگزاری شهروندان نیز در نظر گرفته شده و بالاتر از آن، مشارکت و کارگزاری شهروندان از اولویت بیشتری برخوردار است؛ چیزی که بعضاً یادآور مفهوم «دفاع غیرنظامی» دوره جنگ سرد است. جوامع معاصر به‌طور فزاینده‌ای با انبوهی از خطرهای پیچیده، فراملی و غیرقابل محاسبه روبرو می‌شوند که پیامد ناخواسته جهانی‌شدن و سرمایه‌داری مبتنی بر فناوری بالاست. همان‌طور که کراهمان در جایی دیگر تأکید می‌کند، حکمرانی امنیتی همه حوزه‌های جغرافیایی، کارکردی، توزیع منابع، منافع، هنجارها، تصمیم‌سازی راهبردی و سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها را در بر می‌گیرد (Krahmann, 2008: 200). در این دیدگاه‌ها، که نسبت به نظریه‌های پیشین، جامعه‌گرایانه‌تر هستند، بر ضرورت اخلاقی رفع تبعیض و پذیرش فرهنگ‌های متفاوت در جوامع مدرن تأکید می‌شود و مرجعیت امنیت، از دولت به جامعه

1. Heiner Hänggi
2. Emil Kirchner
3. Marina Caparini

منتقل شده است؛ البته بدون اینکه اهمیت دولت به طور کامل کنار گذاشته شود (افتخاری و نصری، ۱۳۸۳).

«نهاد مدیریت همکاری‌های توسعه‌ای^۱» نیز شاخص‌های پاسخگویی؛ مشارکت‌طلبی، همکاری و محلی‌سازی؛ بهبود تأمین امنیت و فراگیرسازی آن؛ رعایت عدالت و قانون؛ و آمادگی برای مقابله با تهدیدهای متنوع و انسانی را به‌عنوان شاخص‌های حکمرانی امنیت عنوان کرده است (OECD DAC, 2007). ملاحظه می‌شود که در حالی که در دیدگاه‌های سنتی و کلاسیک، امنیت به معنای دفع یا فقدان تهدید بود، در تعریف جدید امنیت، پیشگیری از تهدیدها از طریق اقدامات ایجابی نیز در تأمین امنیت بسیار مهم تلقی می‌شود. در دیدگاه سنتی، هدف از امنیت، حفاظت از سرزمین و حکومت بود، در حالی که در تعریف جدید، جامعه و انسجام اجتماعی به‌عنوان مرجع امنیت در نظر گرفته شده است. در این دیدگاه، با اینکه حکومت‌های ملی در اثر تقویت عوامل فروملی، فراملی و جهانی با محدودیت مواجه شده‌اند، هنوز در عرصه امنیت، از نقش مسلط برخوردارند. با این حال، تهدید خارجی در مقابل آسیب‌هایی که ممکن است به انسجام اجتماعی وارد شود، در اولویت ثانوی قرار می‌گیرد (ماندل، ۱۳۸۷).

۲. سیاست‌زدگی در سپهر عمومی

اگر سیاست‌زدگی یا سیاسی‌کردن را دخالت‌دادن و ترجیح‌انگیزه‌های سیاسی و گروهی در تصمیم‌گیری‌ها بدانیم، در حوزه حکمرانی هم، سیاست‌زدگی عبارت است از رعایت‌نکردن اصل بی‌طرفی در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و دخالت‌دادن دیدگاه‌ها، گرایش‌ها و سوگیری‌های سیاسی در امور حرفه‌ای. جهت‌دهی سیاسی به موضوعات یا سیاسی‌کردن هر چیزی که قبلاً سیاسی نبوده است؛ تفسیر و داوری درباره موضوعات بر اساس معیارهای سیاسی (Zurn, 2014: 47-71)؛ استفاده از سیاست به‌عنوان معیار داوری درباره تمام جنبه‌های زندگی شخصی و اجتماعی و هنری و ادبی (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۳: ۵۲۷) و داوری

در باره هر چیزی بر اساس دیدگاه جناحی، تمایلات حزبی و سیاسی از جمله تعاریف سیاست‌زدگی در سطح عام به‌شمار می‌روند.

با این اوصاف، سیاست‌زدگی در سطوح اجرایی و سازمانی به معنای جایگزینی معیارهای سیاسی به‌جای معیارهای مبتنی بر شایستگی در سطوح مختلف‌گزینه‌ش، ابقا، ترفیع، پرداخت پاداش و انتظام‌بخشی به کارمندان دستگاه اداری است (پیترز و پی‌یر، ۱۳۸۴: ۱۱). از نظر کلیفورد و رایت نیز سیاست‌زدگی در دو قالب بروز می‌یابد: نخست، افزایش فعالیت سیاسی کارمندان دستگاه اداری؛ دوم، کنترل شدید دولت بر دیوان‌سالاران (ساسمن و لاک، ۱۳۸۴: ۱۸۲). رنسام (Ransom, 1987: 26) نیز در مقوله‌بندی انواع سیاست‌زدگی، به سیاست‌زدگی حزبی (تبدیل مسائل به موضوعات مورد مناقشه میان گروه‌های سیاسی و احزاب)؛ عمومی‌کردن موضوعات تخصصی برای تأثیرگذاری در تصمیم‌های حاکمیتی؛ و حاکم‌کردن معیارها و دیدگاه‌های جناحی و حزبی در سیاست‌گذاری‌ها اشاره می‌کند.

۳. سیاست‌زدگی اطلاعات

سیاست‌زدگی در همه حوزه‌های کشورداری از مهم‌ترین عوامل ناکارآمدی به‌شمار می‌رود، اما در حوزه اطلاعاتی و راهبردی، می‌تواند پیامدهای مخرب بسیار گسترده‌تری به‌جا بگذارد؛ به‌ویژه اینکه به دلیل برخورداری از نظام سیاسی مردم‌سالار و نیز مجموعه شرایط سیاسی و اجتماعی ایران و تحولات مستمر منطقه‌ای، نهادهای اطلاعاتی و راهبردی نقشی تعیین‌کننده در حکمرانی جمهوری اسلامی یافته‌اند. سیاست‌زدگی صرفاً در نظام‌های مردم‌سالار معنا می‌یابد؛ چون در نظام‌های استبدادی، رهبران سیاسی ضرورتی برای تأمین نظر کارشناسان اطلاعاتی و تحلیل‌گران راهبردی ندیده و تنها انتظار دارند سازمان‌های اطلاعاتی از تصمیم‌های نظام دفاع کرده و به‌دنبال تقویت ثبات سیاسی آن باشند. از این رو، تحلیل و اقدام اطلاعاتی در این نوع از نظام‌ها از همان ابتدا دچار سوگیری بوده و برای تأمین نظر یا نیاز سران حاکمیت انجام می‌شود. بار-جوزف (۱۳۹۴: ۲۷) نیز بر این نظر است که سیاست‌زدگی در نظام‌های استبدادی یا ایدئولوژیک موضوع مهمی نیست؛ چون در این

نظام‌ها، تحلیل‌ها پیشاپیش سیاست‌زده بوده و بر اساس تمایلات و رویکردهای رهبران نظام شکل می‌گیرند.^۱

در حوزه اطلاعات، سیاست‌زدگی هنگامی اتفاق می‌افتد که اصل بی‌طرفی مراعات نشده باشد و در مراحل مختلف کار حرفه‌ای اعم از انتخاب موضوع، بررسی، تحلیل و گزارش‌دهی، گرایش‌ها و سوگیری‌های حزبی و جناحی دخالت داده شوند. اولاف ریسته^۲ سیاست‌زدگی در اطلاعات را «دست‌کاری اولویت‌های سیاسی بر مبنای سوگیری‌های غیرملی» می‌داند. این امر عموماً به این صورت انجام می‌شود که سیاست‌گذاران برای پرهیز از دردهای بی‌توجهی به تحلیل‌های ناخوشایندشان، تلاش می‌کنند با توسل به تحلیل‌گران همسو، تولید آن‌گونه تحلیل‌ها را در مراحل ابتدایی متوقف کرده یا محتوای آنها را با پیش‌فرض‌ها، سلیق یا خواسته‌های خودشان سازگار کنند (Riste, 2009: 179-209). در چنین حالتی، تحلیل‌گران راهبردی و اطلاعاتی ترجیحات سیاسی‌شان را در مراحل مختلف انتخاب موضوع، جمع‌آوری داده‌ها، پردازش و تحلیل اطلاعات و تولید گزارش‌ها دخالت داده و از عینیت‌گرایی به نفع مصالح سیاسی صرف‌نظر می‌کنند.

از نظر فورد (Ford, 1993: 177) نیز سیاست‌زدگی عبارت است از سرسپردگی محض تحلیل‌گران به سیاست‌گذاران. رنسام، سیاست‌زدگی اطلاعات را سیطره ترجیحات سیاسی بر فرآیند تصمیم‌سازی‌ها و فشار سیاست‌گذار بر سازمان اطلاعاتی برای تولید اطلاعات خوشایند - هرچند غیرواقعی - می‌داند (Ransom, 1987: 26). از نظر مارین، سیاست‌زدگی یعنی رعایت‌نکردن اصل بی‌طرفی؛ خواه در قالب دست‌کاری روند اطلاعاتی توسط سیاست‌گذار و خواه در قالب تولید اطلاعات خوشایند سیاست‌گذار (Marrin, 2009: 277). پیلار نیز سیاست‌زدگی را عدول از عینیت‌گرایی و افتادن در ورطه سوگیری می‌داند که نتیجه آن،

۱. بررسی این جنبه از موضوع، از دامنه بررسی این مقاله خارج است؛ اما به‌نظر می‌رسد دیدگاه بار-جووزف از این جهت قابل نقد باشد که در نظام‌های استبدادی نیز تفسیر و تعبیر خواسته‌های رهبران یا مبانی ایدئولوژیک آن نظام‌ها ممکن است فضایی برای بروز سیاست‌زدگی فراهم کند؛ به این صورت که هرکدام از احزاب یا جناح‌ها، متون ایدئولوژیک یا خواسته‌های رهبران را در راستای منافع گروه و حزب خود تعبیر کرده، برجسته ساخته یا نادیده بگیرند.

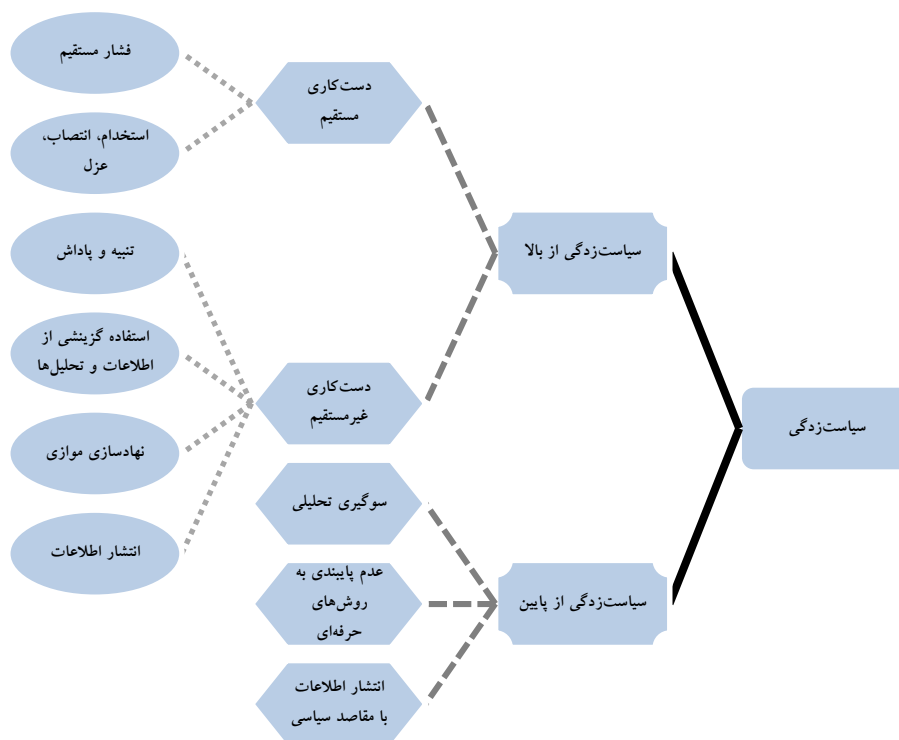
2. Olav Riste

غافل‌گیری راهبردی خواهد بود (Pillar, 2010: 472-484). از نظر جانسون و ویرتز، سیاست‌زدگی یعنی تحریف عمدی یا سهوی (ناشی از فشار آشکار یا پنهان سیاست‌گذار یا ناشی از رویکرد تحلیل‌گران) گزارش‌های راهبردی و اطلاعاتی و ارائه تحلیل‌های خوشایند به سیاست‌گذار (Johnson & Wirtz, 2011: 165).

سیاست‌زدگی، طیف گسترده‌ای از اقدامات و رویکردها را شامل می‌شود و از نظر شکلی، هم «از پایین» و هم «از بالا» رخ می‌دهد. سیاست‌زدگی از پایین هنگامی رخ می‌دهد که تحلیل‌گران راهبردی و کارشناسان اطلاعاتی، نگرش‌ها و رویکردهای فردی‌شان را در مراحل مختلف انجام وظیفه دخالت بدهند. تولید تحلیل‌های سوگیرانه، پایبند نبودن به روش‌ها و استانداردهای تحلیلی، انتشار و نشت اطلاعات برای تخریب سیاست‌گذاران نامطلوب و تقویت رقبای آنها از جمله مواردی است که در این مقوله جای می‌گیرند. به دلیل اینکه در این نوع از سیاست‌زدگی، تحریف واقعیت از نخستین مراحل بررسی‌ها و در قالب‌های مختلف صورت می‌گیرد، تشخیص و مقابله با آن بسیار دشوار است. سیاست‌زدگی از بالا نیز عبارت است از تحمیل رویکردها، منافع و خواسته‌های ساختارهای جناحی، گروهی و گفتمانی به تحلیل‌های راهبردی و فرآیندهای اطلاعاتی. تلاش کنش‌گران سیاسی برای تحقق سلاتق و فهم خود در تحلیل‌های راهبردی یا اثرگذاری در ابعاد مختلف سازمان اطلاعاتی (مدیریت منابع انسانی مانند گزینش، ارتقا، انتصاب مدیران یا دخالت در شیوه برخورد با سوژه‌ها و موضوعات امنیتی و...) از مصادیق سیاست‌زدگی از بالا به‌شمار می‌روند.

ویرتز (Wirtz, 2007) این نوع از سیاست‌زدگی را «تلاش سیاست‌گذاران برای شکل‌دهی اطلاعات در راستای اولویت‌های سیاسی خود» تعریف می‌کند که ممکن است به دو شیوه آشکار و پیچیده (دست‌کاری مستقیم یا دست‌کاری غیرمستقیم) اتفاق بیفتد. برخلاف مورد پیشین، سیاست‌زدگی از بالا تا حدود زیادی و به‌آسانی قابل تشخیص است. دست‌کاری مستقیم همانا دخالت مستقیم سیاست‌گذاران در انتصاب یا حذف تحلیل‌گران و نیز گزینش و استخدام است (پیترز و پی‌یر، ۱۳۸۴: ۱۶). دست‌کاری غیرمستقیم در قالب تنبیه و پاداش تحلیل‌گران، کنار گذاشتن اطلاعات از فرآیند سیاست‌گذاری، استفاده گزینشی از اطلاعات، ایجاد تشکیلات موازی و انتشار اطلاعات رخ می‌دهد (Betts, 2005؛ روونر، ۲۰۱۱).

سالارکیا و میرمحمدی (۱۳۹۷) با استفاده از نظریه‌های موجود، چارچوبی مفهومی برای فرآیند وقوع سیاست‌زدگی ترسیم کرده‌اند که با اندکی تلخیص به صورت زیر است.



شکل ۱. الگوی مفهومی سیاست‌زدگی اطلاعاتی (سالارکیا و میرمحمدی، ۱۳۹۷)

۴. رابطه میان سیاست و اطلاعات

آسیب‌های ناشی از سیاست‌زدگی اطلاعات، نظریه‌پردازان و خبرگان این حوزه را بر آن داشته تا رابطه میان سیاست و حوزه اطلاعات را بررسی کرده و مناسب‌ترین شکل این رابطه را توصیه کنند. به طور کلی، دو نظر متفاوت درباره پیوند سیاست با اطلاعات وجود دارد. کنت (Kent, 1949) به ضرورت تفکیک مطلق اطلاعات و سیاست معتقد است، در حالی که گیتس (Gates, 1992) ارتباط میان اطلاعات و سیاست را برای تضمین کاربردی‌بودن تحلیل‌های

اطلاعاتی در مسائل سیاسی ضروری می‌داند. نظریه‌پردازانی که به ضرورت تفکیک اطلاعات و سیاست معتقدند، اطلاعات را حوزه‌ای می‌دانند که کارآمدی حرفه‌ای آن مستلزم استقلال از/فاصله‌گذاری با سیاست است (لوونتال، ۱۳۹۴؛ هندل، ۱۳۸۹). اما همان‌طور که بیان شد، نظریه‌پردازانی مانند کنت (Kent, 1949) با انتقاد از سیاست‌زدگی شدید اطلاعات، بر ضرورت تفکیک جامعه اطلاعاتی از انگیزه‌های گروهی و حزبی و نظرات شخصی و سیاسی سیاست‌مداران تأکید دارند. البته کنت در عین حال که نسبت به خطر ناشی از رابطه بسیار نزدیک میان اطلاعات و سیاست هشدار می‌دهد، یادآور می‌شود که خطر بزرگ‌تر آن است که میان این دو فاصله زیادی ایجاد شود.

نکته دیگر اینکه سیاست‌گذاران در اغلب موارد به دنبال بررسی‌ها و تحلیل‌هایی هستند که اجماع و تصمیم‌گیری را تسهیل کند. این امر معمولاً مستلزم درجه‌ای از ساده‌سازی، توجه حداکثری به ملاحظات و برجسته‌سازی مشترکات است. البته چنین تحلیلی ممکن است به چیزی بی‌ثمر تبدیل شود. جدایی اطلاعات از سیاست می‌تواند مزیت‌های قابل توجهی داشته باشد، از جمله:

- دستیابی به تحلیل‌های واقع‌گرایانه؛
- حفظ اعتبار جهان‌شمول تحلیل‌ها؛
- اجتناب از جزئی‌نگری؛
- خلاصی از فشارهای بیرونی؛
- رهایی تحلیل‌گران از مخاطره سوگیری سیاسی.

با این حال، این موضوع نیز قابل انکار نیست که تحلیل‌های اطلاعاتی و راهبردی، هر قدر هم که جامع و بی‌طرفانه باشند، اگر نتوانند به مسائل و دل‌مشغولی‌های سیاست‌مداران پاسخ دهند، توجه آنها را جلب نکرده و با دلایلی نظیر «نادرست»، «غیردقیق»، «منقضی شده» و ... کنار گذاشته می‌شوند؛ به‌ویژه آنکه آسیب‌شناسانه بودن تحلیل‌های اطلاعاتی باعث می‌شود که از نظر مقامات سیاسی، منفی‌نگر محسوب شوند (Marin, 2009). به همین دلیل است که بتس معتقد است دوربودن محصولات اطلاعاتی از مباحث سیاسی، به قیمت نامتناسب بودن محصولات با نیازهای موجود خواهد بود (بار-جوزف، ۱۳۹۴: ۳۹). افرادی مانند رابرت گیتس نیز بر

ضرورت تقویت ارتباطات و تعاملات میان نیروهای اطلاعاتی (تولیدکنندگان اطلاعات) با سیاستمداران (مصرفکنندگان اطلاعات) تأکید کرده‌اند؛ تا به این ترتیب، از اتلاف انرژی و انحراف موضوعی در تحلیل‌های اطلاعاتی اجتناب شود (Gates, 1992). از جمله مزیت‌های تعامل میان سیاست و اطلاعات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اخذ نظر کاربران و تهیه گزارش‌های کاربردی‌تر؛
 - آشنایی با محدودیت‌های کارگزاران و سیاستمداران؛
 - امکان رهگیری سیاست‌ها و اخذ بازخورد نسبت به گزارش‌های راهبردی و اطلاعاتی؛
 - پاسخگویی به پرسش‌های بعدی سیاست‌گذاران.
- البته به‌رغم همکاری مداوم تحلیل‌گران راهبردی و اطلاعاتی با سیاست‌گذاران، گاهی رابطه آنها در بعضی موضوعات مناقشه‌برانگیز سیاسی دچار تنش می‌شود. در چنین حالاتی، سیاستمداران از تحلیل‌های راهبردی و اطلاعاتی ناراضی می‌شوند و متقابلاً تحلیل‌گران نیز تصور می‌کنند نسبت به نتیجه کارشان بی‌توجهی شده یا از آن استفاده درستی نمی‌شود (بتس، ۱۳۹۲: ۸۶). از نظر مک‌لافلین (McLaughlin, 2008) بعضی دلایل رویگردانی سیاستمداران از تحلیل‌های راهبردی و اطلاعاتی به قرار زیر است:

- ناآگاهی رهبران سیاسی از قابلیت‌ها و ضعف‌های ذاتی تحلیل‌های راهبردی و اطلاعاتی؛
 - فقدان مهارت مدیران سیاسی در استفاده از تحلیل‌ها؛
 - اغراق تحلیل‌گران راهبردی و اطلاعاتی درباره توانمندی‌شان که معمولاً با هدف تضمین یا افزایش بودجه انجام می‌شود؛
 - ضعف مدیران و رهبران سیاسی در پذیرش گزارش‌ها و تحلیل‌های انتقادی از حوزه مسئولیت‌شان و هراس از اینکه گزارش‌های مزبور در دسترس رقبای آنها قرار گیرد؛
 - برخورداری رهبران سیاسی از اطلاعات کامل‌تری که در اختیار تحلیل‌گران نبوده است؛
 - محتاطانه‌بودن تحلیل‌های اطلاعاتی و راهبردی و تمایل سیاستمداران به تحلیل‌های قطعی.
- با توجه به مباحث فوق، اگر حکمرانی امنیتی را به‌طور ساده، شامل ساختارهای هدف‌گذاری، سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت بدانیم، با ذکر برخی شواهد و قرائن، نشان

خواهیم داد که همه عرصه‌های کشورداری در ایران از جمله حکمرانی امنیتی به میزان قابل تأملی از سیاست‌زدگی رنج می‌برند.

در این مقاله، پس از احصاء پیامدهای سیاست‌زدگی بر حکمرانی امنیتی، نمونه‌هایی از مصادیق سیاست‌زدگی در سپهر نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران ذکر شده و سپس، راه‌کارهایی برای مواجهه مناسب با این امر ارائه خواهد شد.

ج. زمینه‌ها و پیامدهای سیاست‌زدگی

۱. زمینه‌ها

همان‌طور که ویرتز اشاره کرده «سیاست» و «اطلاعات» رابطه‌ای الزامی، ساختاری و اجتناب‌ناپذیر داشته و مجبور به هم‌زیستی هستند (Wirtz, 2007: 139-150). بدین معنا که تصمیم‌گیرندگان سیاسی به دنبال کسب اطلاعات و هشدارهای مؤثر از تحلیل‌گران اطلاعاتی هستند و تحلیل‌گران نیز دلیل وجودی خود را در تأمین اطلاعات سیاست‌گذاران می‌دانند. بنابراین، هرگونه جدایی میان سیاست و اطلاعات، به معنای جستجوی بی‌هدف اطلاعات و تمرکز بر داده‌های غیرضروری خواهد بود (آستانا، ۱۳۸۸: ۲۴۱). با این حال و صرف‌نظر از این رابطه طبیعی، حوزه حکمرانی امنیتی و تحلیل‌های اطلاعات و راهبردی ممکن است بنا به دلایل دیگری نیز آلوده یا اسیر قواعد و بازی‌های دنیای سیاست بشوند. مقام‌های سیاسی و سیاست‌گذاران با رفتارهای مختلف نظیر مداخله در فرآیندها، بی‌اعتنایی و سرکوب یا تشویق و ترغیب محصولات خاص، انتصاب فعالان سیاسی یا حزبی هم‌سو به مدیریت سازمان‌های اطلاعاتی یا اتاق‌های فکر راهبردی و دخالت‌دادن علائق و منافع سیاسی و حزبی در تعیین مأموریت سازمان‌های اطلاعاتی و راهبردی می‌توانند زمینه سیاست‌زدگی را فراهم کنند. ضمن اینکه ممکن است فضای عمومی سیاست نیز تحلیل‌گران و کارشناسان امنیتی را به سمت ارائه تحلیل‌های سیاست‌زده سوق دهد. بسیاری از تحلیل‌گران از اندیشه‌ها و رویکردهای اعتقادی و ایدئولوژیک خاصی برخوردارند که خودآگاه یا ناخودآگاه در کار آنها تأثیر می‌گذارد. چون افراد دیدگاه‌شان را برای اصلاح و پیشبرد بهینه امور جامعه دارای اولویت می‌دانند، دور از ذهن نیست که در انجام وظایف روزانه

خود نیز از همان دیدگاه پیروی کرده و ضمن تسهیل‌گری برای کاربست هرچه بیشتر دیدگاه مطلوب خویش، از طرح و توسعه دیدگاه‌های دیگر ممانعت کنند. فقدان یا ضعف هویت حرفه‌ای اطلاعاتی و نیز تداخل با سایر حوزه‌ها و آبشخورهای هویتی، از دیگر عوامل سیاست‌زدگی به‌شمار می‌آیند. در این صورت، ممکن است تحلیل‌گران اطلاعاتی برای جلب نظر سیاست‌گذاران و احیاناً به تصور ادای تکلیف، عینیت‌گرایی حرفه‌ای را در تحلیل‌های خود کنار گذاشته و تفسیرگرایی یا معناگرایی را پیشه کنند. ساختار نظام سیاسی، جایگاه سازمانی و قانونی و تعدد تشکیلات امنیتی و اطلاعاتی، نوع و میزان نظارت بر نهاد اطلاعاتی و میزان آزادی‌های اجتماعی و رسانه‌ای نقش مؤثری در نوع اثرگذاری آن سازمان‌ها در فرآیندهای توزیع قدرت اثر گذاشته و میزان سیاست‌زدگی اطلاعات را کاهش یا افزایش بدهند.

البته در حالت‌های خاصی، این امر ممکن است به اطلاعات‌زدگی سیاست نیز منجر شود. تکثر تحلیلی و راهبردی، نقشی دوگانه ایفاء می‌کند: از یک طرف، گزینه‌های متفاوت را در اختیار سیاست‌گذار قرار می‌دهد و از طرف دیگر، به سیاست‌گذار امکان‌گزینه‌ها می‌دهد تا گزارش‌های خوشایند را برکشیده و تحلیل‌های ناخوشایند را حذف یا نادیده بگیرد. نوع شخصیت (قوی یا ضعیف) رهبران و سیاست‌گذاران ارشد، نقش زیادی در سیاست‌زدگی اطلاعات ایفا می‌کند. شخصیت قوی می‌تواند نهاد اطلاعاتی را مدیریت کرده و از آن به‌مثابه ابزاری برای پیشبرد اهداف نظام سیاسی استفاده کند. رهبران برخوردار از شخصیت قوی همچنین می‌توانند تحلیل‌ها و گزارش‌های واقع‌بینانه - هرچند ناخوشایند - را پذیرفته و برای اصلاح امور به‌کار بگیرند. برعکس، مقامات و کارگزارانی که از شخصیت قوی برخوردار نباشند، از یک سو در معرض اطلاعات دستکاری‌شده و مخدوش قرار می‌گیرند و از سوی دیگر، به دلیل نپذیرفتن گزارش‌های ناخوشایند، نظام سیاسی را از آن دسته از گزارش‌ها و تحلیل‌ها محروم می‌کنند.

۲. پیامدها

همان‌طور که در بخش قبلی بحث شد، «اطلاعات» در محیط سیاست فعالیت می‌کند و توسط رهبران سیاسی جهت‌دهی می‌شود. بنابراین، وجود مقداری از سیاست‌زدگی در سازمان‌های اطلاعاتی امری اجتناب‌ناپذیر است (Pillar, 2010: 472-484). با این حال، به دلیل اینکه

سیاست‌زدگی با تمام اصول فعالیت اطلاعاتی و راهبردی در تضاد است، باید مستمراً مورد پایش قرار گرفته و تا جای ممکن از آن اجتناب شود. با توجه به تعاریف گوناگون از حکمرانی امنیتی، که ابعادی نظیر ظرفیت سیاسی، کارآیی سیستمی، مشروعیت سیاسی، ثبات سیاسی و انسجام اجتماعی را شامل می‌شود (آزر، ۱۳۷۷: ۴۰) می‌توان گفت که سیاست‌زدگی تقریباً همه این شئون را تحت تأثیر قرار داده و امنیت ملی را تضعیف می‌کند. سیاست‌زدگی می‌تواند عمل‌کرد سازمان اطلاعاتی در هر کدام از مراحل جمع‌آوری، بررسی و تحلیل و گزارش‌دهی را تحت تأثیر قرار بدهد. سوگیری در انتخاب موضوع و تحلیل رخدادها و روندها منجر به خطا در شناخت یا تحریف در بازنمایی واقعیت‌ها شده و نهایتاً به اتخاذ تصمیم‌های اشتباه در سطوح مختلف خواهد انجامید؛ چون تحلیل‌گران هنگام تهیه و قالب‌بندی گزارش‌ها ناخودآگاه به برجسته‌سازی برخی مسائل و کم‌رنگ‌کردن برخی دیگر دچار خواهند شد.

به‌طور کلی، می‌توان گفت که سیاست‌زدگی ضریب خطاپذیری را در سه حوزه شناختی، نظارتی و اجرایی افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر یکی از مهم‌ترین دلایل وجودی سازمان‌های اطلاعاتی، جلوگیری از غافل‌گیری راهبردی بدانیم (لوونتال، ۱۳۹۴: ۱۵) سیاست‌زدگی باعث می‌شود که سامانه‌های اطلاعاتی و راهبردی به مسائل سیاسی و جناحی مشغول شده و با انحراف در تعیین اولویت‌ها، زمینه غافل‌گیری یا انحراف راهبردی فراهم شود. تضعیف یا نابودی سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی به نهادهای امنیتی و اطلاعاتی، از مهم‌ترین پیامدهای سیاست‌زدگی است؛ چون شهروندان مشاهده می‌کنند که این نهادها از جایگاه ملی و حاکمیتی عدول کرده و به کارگزار گروه یا جناح خاصی تبدیل شده‌اند. این امر در میان بخش قابل توجهی از سیاست‌گذاران نیز رخ می‌دهد و باعث گسست میان بدنه سیاست‌گذاری و سازمان‌های اطلاعاتی و راهبردی می‌شود. به این ترتیب، علاوه بر اینکه حوزه سیاست‌گذاری از رهنمودهای اطلاعاتی و توصیه‌های راهبردی محروم می‌شود، خود سازمان‌های اطلاعاتی نیز به دلیل بی‌اعتمادی سیاست‌گذاران به آنها، از چرخه مشاوره و تبادل نظر خارج شده و از داده‌های به‌هنگام محروم می‌شوند.

برای تأمین امنیت ملی، حاکمیت نیازمند سیاست‌گذاری‌های کارآمد داخلی و خارجی است که تحقق آن تابعی از قدرت ملی است. قدرت ملی عبارت است از برآیند توانایی‌های مادی و

معنوی یک ملت که در راستای توسعه و تأمین منافع ملی به کار گرفته می‌شود. با اینکه تعاریف بسیار گسترده، متنوع و متغیری درباره قدرت ملی وجود دارد (زرقانی، ۱۳۸۸) اما در همه این تعاریف به روحیه ملی، همبستگی اجتماعی، برخورداری از جمعیت ماهر، کارآمدی نظام سیاسی و نگرش مردم نسبت به حاکمیت به عنوان مولفه‌های اجتماعی - سیاسی قدرت ملی تأکید شده است (زرقانی، ۱۳۸۸). سیاست‌زدگی از طریق تضعیف قدرت ملی، امنیت ملی را دچار خدشه می‌کند. این امر به‌ویژه از طریق تضعیف قدرت نرم رخ می‌دهد؛ بدان معنا که اگر قدرت نرم را که عبارت است از «توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران، بدون اجبار» (نای، ۱۳۸۲: ۳۵۳) بخشی از قدرت ملی بدانیم، لاجرم عواملی چون همبستگی ملی و سرمایه اجتماعی از جمله مولفه‌های شکل‌گیری و تقویت آن خواهند بود که سیاست‌زدگی موجب تضعیف آنها می‌شود.

بالتر از اینها، سیاست‌زدگی حتی می‌تواند مفهوم «ملت» را تضعیف کرده و به مرزهای نابودی بکشاند. بندیکت آندرسون در تعریف مفهوم «ملت» از «جماعت تصویری» نام می‌برد: «ملت یک جماعت سیاسی تصویری است؛ تصویری هم به دلیل محدودیت و حدود مرزهای ذاتی‌اش و هم به دلیل بی‌چون‌وچرایی و قدرت مطلق‌ی که به آن ربط داده می‌شود. ملت مفهومی تصویری است؛ چون حتی اعضای کوچکترین ملت نیز بیشتر هم‌میهنان خود را هرگز نمی‌شناسند؛ با آنها مواجه نمی‌شوند؛ یا حتی درباره آنها چیزی به گوش‌شان نمی‌رسد؛ اما در اذهان هریک، تصویری از این پیوند زنده است» (آندرسن، ۱۳۹۳: ۳۴). حال به آسانی می‌توان تصور کرد که سیاست‌زدگی و ترجیح دیدگاه‌ها و منافع سیاسی به منافع ملی تا چه حد ناقض مفهوم ملت است. جایگزینی هویت‌های فردی و اجتماعی^۱، با هویت سیاسی^۲ سیاست‌زدگی می‌تواند پیوندهای قبیلگی و منطقه‌ای را تضعیف کرده و وابستگی‌های حزبی و جناحی را به جای آنها بنشیند. البته این روند در عین حال که می‌تواند در جهت تقویت شخصیت اجتماعی شهروندان مثبت باشد، ممکن است جامعه را درگیر مناقشات شدیدتر بکند، چرا که منازعه بر سر حیثیت گروهی و جایگاه اجتماعی حزب، از منازعه بر سر منابع نیز شدیدتر خواهد بود.

1. social identity
2. political identity

همان‌طور که کلین (2020) اشاره می‌کند، ما به‌طور ناخودآگاه متوجه هستیم که بدون گروه‌مان، ممکن است شانس بقا نداشته باشیم. از طرف دیگر، سیاست‌زدگی شاید فی‌نفسه نه تنها مسئله نباشد، بلکه دست‌کم در مواردی، راه حل نیز باشد. قطبی‌شدگی بعضاً تنها راه نشان‌دادن تمایز مواضع و بیان اختلافات سیاسی است. آنچه که در غیاب قطبی‌شدگی رخ می‌دهد، نه اجماع، بلکه سرکوب است؛ بدین معنا که هرچند مسائل مورد بحث قرار نمی‌گیرند، اما حل نیز نمی‌شوند. اما این نکته را نیز نباید فراموش کرد که هنگامی که همه چیز سیاسی شود، ممکن است نتوان بر سر هیچ چیز به اجماع رسید. به این ترتیب، ملت در واقع چیزی بیش از چندین فرقه نخواهند بود که بر سر امتیازات و پیروزی مطلق با یکدیگر به مبارزه مشغولند و گویی تا شکست کامل طرف دیگر، از مبارزه دست نمی‌کشند. بدیهی است که وقتی مفهوم ملت زیر سوال رفته باشد، امنیت ملی نیز به طریق اولی تضعیف شده و در معرض نابودی قرار می‌گیرد.

سیاست‌زدگی موجب بی‌اعتباری اطلاعات می‌شود؛ فرض بر این است که تحلیل‌های سیاست‌زده در پی تحقق‌بخشی به دیدگاه‌های فرد، حزب یا جناح خاصی است. همان‌طور که بتس (2005) نیز اشاره می‌کند، سیاست‌زدگی به خودی خود شاید اشکال چندانی نداشته باشد و به معنای «افزودن خاصیت یا ویژگی سیاسی به امور» باشد؛ اما نکته اینجاست که داورهای اطلاعاتی^۱ در مقایسه با سایر حوزه‌ها باید عینی‌تر، بی‌طرفانه‌تر و علمی‌تر بوده و فارغ از هرگونه ترجیح، منافع، نگرش و... باشد. اما استفاده از معیارها و تعاریف دوگانه در تحلیل و گزارش‌دهی که برخاسته از دیدگاه‌های سیاست‌زده است، فاقد معیارهای عینی و تخصصی بوده و لاجرم آن گزارش‌ها اعتبار چندانی نخواهند داشت. با این اوصاف، آمیختن تحلیل‌های راهبردی و اطلاعاتی به انگیزه‌های سیاسی و سرسپردگی به سیاست، نهاد اطلاعاتی و راهبردی را از ظرفیت خدمات‌دهی به نظام سیاسی خالی خواهد کرد.

سیاست‌زدگی، از یک سو تضعیف مردم‌سالاری و از سوی دیگر، افزایش وابستگی نظام سیاسی به نهاد اطلاعاتی را به دنبال خواهد داشت. همان‌طور که سالارکیا و میرمحمدی

(۱۳۹۷) اشاره می‌کنند، دسترسی ناعادلانه برخی کنش‌گران به اطلاعات و استفاده از آن برای کنارزدن رقبا موجب تحریف در روند تحقق اراده عمومی برای توزیع قدرت شده و به سازوکارهای مردم‌سالارانه آسیب می‌زند. از سوی دیگر، تأثیرگذاری تحلیل‌گران و مدیران نهادهای اطلاعاتی بر فرآیندهای توزیع قدرت، در واقع چیزی جز بازتولید سیاست‌مداران وابسته به نهادهای اطلاعاتی و راهبردی نخواهد بود. در چنین حالتی، اصطلاحاً «اطلاعات‌زدگی سیاست» رخ می‌دهد؛ به این معنا که نهادهای اطلاعاتی به‌اندازه‌ای در امر کشورداری مداخله می‌کنند که عملاً از نهاد شناختی- نظارتی به نهادی اجرایی و تصمیم‌گیر تبدیل می‌شوند. در چنین وضعیتی، نهاد اطلاعاتی ناگزیر در یک طرف منازعات سیاسی و سیاستی قرار گرفته و دیگر جایی برای استقلال حرفه‌ای باقی نمی‌ماند. همان‌طور که اشاره شد، مهم‌ترین پیامد چنین مداخله‌ای، تضعیف یا نابودی اعتبار «اطلاعات» نزد جامعه سیاسی است. همچنین، در چنین وضعیتی، باید به همه جریان‌های سیاسی حق داد که برای نفوذ در تشکیلات اطلاعاتی از هیچ تلاشی فروگذار نکنند.

از دیگر پیامدهای سیاست‌زدگی در حوزه حکمرانی امنیتی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
 - تضعیف انگیزه کارشناسان و ترغیب تحلیل‌گران به ارائه‌گزینه‌های گزارش‌ها و تحلیل‌ها به رهبران سیاسی هم‌سو؛

- استفاده مجرمان و متخلفان از شکاف میان نهادهای سیاست‌زده یا موازی؛

- شکل‌گیری زمینه رقابت ناسالم (مچ‌گیری، افشاگری، نادیده‌انگاری دستاوردها، سهم‌شدن نابه‌جا در دستاوردها)؛

- محرومیت نظام سیاسی و اطلاعاتی از بخشی از ظرفیت کارشناسی؛

- تغییر تدریجی مأموریت‌ها و غافل‌گیری راهبردی و شکست اطلاعاتی؛

- تضعیف یا نابودی هویت حرفه‌ای و نیز اعتبار تحلیل‌ها و گزارش‌های اطلاعاتی و راهبردی؛

- تضعیف سرمایه اجتماعی و سیاسی همه نهادهای حاکمیتی به‌دلیل سوگیری و ترجیح رویکرد سیاسی و گروهی (پیترز و پی‌یر، ۱۳۸۴: ۲۳)؛

- بی‌توجهی به شواهد عینی و توسل به معنایابی‌ها و تفسیرگرایی‌های شخصی (خسروی، ۱۳۹۰: ۱۲۰)؛

- افزایش هزینه‌های اجتماعی خدمت در نهادهای اطلاعاتی و راهبردی؛
- افزایش تمایل رهبران سیاسی برای جایگزینی منابع معتبرتر، غیرسیاسی‌تر یا وفادارتر که با موازی‌کاری و ائتلاف نیروها همراه خواهد بود؛
- تضعیف یا نابودی نقش نظارتی و «فیصله‌بخش» نهاد اطلاعاتی در پرونده‌های مختلف؛
- انتشار عمومی اطلاعات طبقه‌بندی‌شده توسط رهبران و کنش‌گران سیاسی.

د. بررسی‌های موردی

با تأملی در روندهای مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌توان نشانه‌های آشکاری از سیاست‌زدگی را توأمان در حوزه عمومی و نیز در حوزه‌های مختلف حکمرانی مشاهده کرد. سیاست‌زدگی در سپهر عمومی و نیز حوزه‌های مختلف حکمرانی در قالب‌ها و الگوهای مختلفی رخ می‌دهد که با توجه به مرور ادبیات موضوع، برخی از مهم‌ترین آنها به صورت موردی بررسی شده‌اند.^۱

۱. قطبی‌شدگی

دوقطبی‌شدن عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی از جمله مهم‌ترین پیامدهای سیاست‌زدگی به‌شمار می‌رود. دوقطبی‌شدن، دلایل و علل مختلفی دارد، اما همان‌طور که ازرا کلین^۲ (Klein, 2020) اشاره می‌کند، شکل‌گیری و توسعه سیاست هویت^۳ از جمله دلایل آن در جامعه هستند. فرآیندهای انتخاباتی نیز زمینه قطبی‌شدن و سیاست‌زدگی متعاقب آن را فراهم می‌کنند؛ چون

۱. هرچند در مقاله حاضر، مفهوم حکمرانی امنیت ملی فراتر از حوزه‌های اطلاعاتی و امنیتی مد نظر بوده، اما با توجه به محدودیت حجم مقاله و نیز به دلیل رابطه مستقیم‌تر و موثرتر حوزه اطلاعات و امنیت با حکمرانی امنیت ملی، لاجرم مصادیق این حوزه با جزئیات بیشتری بررسی شده‌اند. در هر حال، سیاست‌زدگی در این حوزه اگر بازتابی از وجود سیاست‌زدگی در حوزه‌های دیگر نباشد، می‌تواند در سیاست‌زده‌شدن آنها دخیل باشد.

2. Ezra Klein

3. identity politics

مبارزات انتخاباتی به نبردهایی فردی تبدیل می‌شوند که در درون جنگ بزرگ‌تر حزب‌ها در جریان است. مبارزات انتخاباتی حاوی پیروزی‌های سیاسی، ایدئولوژیک و مالی است. با این همه دستاورد احتمالی، تشدید روزافزون نبردهای انتخاباتی نباید امری دور از ذهن باشد. برقراری ارتباط با مردم برای اقناع آنها در راستای انتخاب نامزد مورد نظر یا اتخاذ رویکردی خاص، نیازمند ساده‌سازی موضوعات است.

از همین روست که افکار عمومی به‌طور مستمر و با شدت درباره هر موضوعی اعم از ورزشی، هنری، اجتماعی، زیست‌محیطی، اقتصادی و حتی بیماری و سلامت در معرض تفاسیر و گزارش‌های جناح‌های مختلف سیاسی قرار می‌گیرد. این امر باعث می‌شود که کنش‌گران و حتی شهروندان عادی درباره اغلب امور، نه بر اساس معیارهای تخصصی و حرفه‌ای، بلکه بر مبنای دیدگاه و منافع حزبی داوری بکنند. برای نمونه، در جریان رقابت‌های انتخاباتی ۲۰۱۶ ایالات متحده، استفاده یکی از نامزدها (هیلاری کلینتون) از کامپیوتری ناامن در خانه‌اش هنگام تصدی وزارت امور خارجه، به عاملی برای تخطئه‌اش تبدیل شد. هنگامی که مدیر وقت اف‌بی‌آی، جیمز کومی، این رخداد را نیازمند تعقیب قضایی تشخیص نداد، از سوی دموکرات‌ها به خاطر بی‌طرفی و انصاف مورد ستایش قرار گرفت. با این حال، به محض اینکه وی اعلام کرد «به شواهد تازه‌ای دست یافته که او را برای تحقیقات مجدد ترغیب می‌کند» همان دموکرات‌ها دسته‌جمعی وی را به عنوان فردی «حزب‌گرا» و «احمق» طرد کردند. کمپین کلینتون و همه مفسران و تحلیل‌گران به‌ظاهر مستقل بر این نظر بودند که کومی باید «دهان خود را تا انجام انتخابات، بسته نگه می‌داشت» و اینکه می‌توان او را در خدعه‌های انتخاباتی ترامپ مقصر دانست. در مقابل، این بار نوبت جمهوری‌خواهان بود که از حملات خود به رئیس اف‌بی‌آی دست کشیده و اقدام «حقیقت‌جویانه و عدالت‌طلبانه» وی در بررسی مجدد پرونده کلینتون را ستایش کنند (Linker, 2016).

مشاهده می‌شود که صرف نظر از درستی یا نادرستی هرگونه اقدام، وابستگی حزبی و گروهی تا چه اندازه می‌تواند در داوری نسبت به آن اقدام تأثیر بگذارد. این نکته هم حائز اهمیت است که در چنان موقعیت دوقطبی‌شده‌ای، هر اقدامی لاجرم به ضرر یکی از احزاب تمام شده و با اتهام سوگیری مواجه می‌شود. این وضعیت قطبی‌شده و سیاست‌زده تا آنجا

پیش رفت که متعاقب انتخاب رئیس جمهور جدید ایالات متحده، رئیس مجلس نمایندگان این کشور هنگام معرفی فرد پیشنهادی برای ریاست سازمان اطلاعات مرکزی ایالات متحده، از تجربه و تعهد وی برای فعالیت اطلاعاتی «غیرسیاسی»^۱ به عنوان عنصری حیاتی نام برد (Pelosi, 2021/01/12).

این امر مختص کنش‌گران و نیز کنش‌گران سیاسی نبوده و با شدت و ضعف متفاوت در میان شهروندان عادی نیز مشاهده می‌شود. پیش از این، گراهام^۲ (2012) در گزارشی از نظرسنجی‌های پیو درباره نگرش شهروندان ایالات متحده نسبت به ازدواج با عضوی از حزب دیگر به این موضوع اشاره کرده بود که قطبی‌شدگی سیاسی در این کشور در حال افزایش بوده و از حدود سال ۲۰۰۹ به بعد شدت گرفته است. طبق این نظرسنجی‌ها، تعداد فزاینده‌ای از شهروندان ایالات متحده درباره ازدواج فرزندان‌شان با فردی از حزب رقیب احساس نارضایتی داشته‌اند. سالزمن^۳ با یادآوری مواردی تاریخی از دوستی میان سیاست‌مدارانی که رویکرد سیاسی‌شان با همدیگر مخالف بوده، تأکید می‌کند که امروزه اوضاع تفاوت کرده و سیاست‌زدگی کنونی در ایالات متحده بی‌سابقه است؛ تا جایی که بسیاری از مشاوران روان‌شناس حتی نسبت به دوستی یا ازدواج با افراد متعلق به خط سیاسی متفاوت هشدار می‌دهند (Salzmann, 2018).

در سال ۲۰۱۰ بیش از ۳۰ درصد پاسخ‌گویان دموکرات و بیش از ۵۰ درصد پاسخ‌گویان جمهوری‌خواه، مخالف ازدواج با فردی از حزب رقیب بوده‌اند (Graham, 2012). هرچند این آمار تکان‌دهنده است، اما قابل تأمل‌تر از آن، تأثیر وابستگی حزبی شهروندان ایالات متحده در نگرش و عمل‌کرد آنها نسبت به ویروس کرونا است. بر اساس پیمایشی که موسسه پیو انجام داده، در میان مولفه‌های تعلق حزبی (دموکرات یا جمهوری‌خواه)، نژاد (سفیدپوست یا غیرسفیدپوست)، محل سکونت (شهری یا روستایی) و جنسیت و سن (قرارداشتن در گروه سنی زیر ۴۹ سال یا بالای ۵۰ سال) این تعلق حزبی است که میزان سهل‌گیری شهروندان ایالات متحده را نسبت به فعالیت‌های عادی در دوره شیوع ویروس کرونا شکل می‌دهد. بر

1. Apolitical

2. David A. Graham

3. Karl J. Salzmann

اساس این نظرسنجی، رویکرد ۲۶ درصد از پاسخ‌گویان درباره فعالیت در دوره شیوع ویروس کرونا، با تعلق حزبی قابل تبیین است (PEW, 2020/06/25).

موضوع دیگر، شکاف گسترده میان دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان نسبت به رعایت فاصله اجتماعی است. نکته قابل تأمل این است که به موازات افزایش ریسک، این شکاف رفتاری نیز افزایش می‌یابد. اگر در مقوله مراجعه به مغازه‌ها، پاسخ‌گویان جمهوری‌خواه ۱۰ درصد بیشتر از دموکرات‌ها تمایل داشته باشند، درباره حضور در امکان سرپوشیده مانند رستوران یا استادیوم‌ها، این شکاف رویکردی گاه به بیش از ۳۰ درصد می‌رسد (PEW, 2020/06/25). به همین ترتیب، ۶۳ درصد از پاسخ‌گويانی که تعلق نسبی یا زیاد به دموکرات‌ها داشته‌اند، استفاده از ماسک در اماکن عمومی را ضروری می‌دانند، در حالی که این نرخ برای جمهوری‌خواهان فقط ۲۹ درصد است. ملاحظه می‌شود که تعلقات سیاسی و حزبی می‌تواند حتی در اموری که مستقیماً در زندگی و سلامت مردم نقش دارد، اثر بگذارد.

به‌رغم اینکه با توجه حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و دینی توقع می‌رفته این امر در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در کمترین میزان خود باشد، اما در دهه‌های اخیر، موارد فزاینده‌ای از سیاست‌زدگی در حال بروز بوده است. برای نمونه، در حوزه‌های مختلف حکمرانی و شهروندی ایران، موارد قوی از سیاست‌زدگی در نحوه مواجهه با پروتکل‌های مربوط به شیوع ویروس کرونا مشاهده شد و بسیاری از شهروندان، رسانه‌ها، شخصیت‌های و گروه‌های سیاسی، دیدگاه خود را در مواجهه با پروتکل‌ها دخالت دادند. برای نمونه، در حالی که اқشار قابل توجهی از شهروندان نسبت به مخاطرات موجود در گردهمایی‌های مذهبی هشدار می‌دادند، هیچ واکنشی نسبت به تجمع مردم در مراسم تشییع و تدفین مرحوم شجریان یا قهرمانان فوتبالی نداشتند. البته این موضوع متقابلاً درباره بخش دیگری از مردم نیز صدق می‌کرد که به دنبال برگزاری مراسم مذهبی بودند؛ که بیان‌گر سرایت سیاست‌زدگی به حوزه سلامت بود.^۱ این امر به‌طور ویژه در حوزه سیاست مشاهده شد.

۱. البته نویسنده بر این نظر نیست که همه کاستی‌ها و ناهماهنگی‌های مدیریتی در این خصوص به دلیل سیاست‌زدگی بوده است؛ بلکه غرض ذکر قرینه‌هایی است تا گستردگی سیاست‌زدگی در شئون و سطوح مختلف اجتماعی و سیاسی (خواه در افکار عمومی و خواه میان کارگزاران) نشان داده شود.

وزیر بهداشت در تاریخ ۱۳۹۹/۰۸/۲۸ طی نامه‌ای به رئیس مجلس، ضمن اشاره به پروتکل‌های مربوط به کرونا و نیز وضعیت قرمز کرونایی تهران که حداقل به مدت دو هفته طول خواهد کشید، درخواست کرد مصوبات ستاد کرونا درباره نحوه تشکیل جلسات مورد توجه ویژه قرار گیرد. با این حال، پروتکل‌های مزبور در تشکیل جلسات رعایت نشد که مهم‌ترین آن عدم تشکیل جلسات بیش از ۱۵ نفری بود. در بعضی از تصاویری که از جلسات مربوط به آن روزها منتشر می‌شد، مشخص بود که فاصله اجتماعی نیز چندان رعایت نمی‌شود (خبرآنلاین، ۱۳۹۹/۰۹/۱۲)؛ به طوری که سخنگوی ستاد ملی مقابله با کرونا با اشاره به ممنوعیت برگزاری هرگونه جلسه با بیش از ۱۵ نفر در فضای بسته، برگزاری جلسات نمایندگان در صحن علنی و کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی را نقض پروتکل‌های بهداشتی مصوب ستاد ملی مقابله با کرونا دانست (رئیس، ۱۳۹۹/۰۹/۰۵).

نکته قابل تأمل اینکه به‌رغم عدم تعطیلی جلسات مجلس و ضعف در رعایت پروتکل‌ها، در ۱۲ آذر ۱۳۹۹ عدم حضور رئیس جمهور هنگام ارائه لایحه بودجه سال ۱۴۰۰، موجب اعتراض بعضی نمایندگان شد. در این جلسه، یکی از نمایندگان مجلس در بخشی از نطق میان دستور خود با انتقاد شدید از عدم حضور رئیس جمهور در جلسه، «ترس از کرونا» را عامل این غیبت دانسته و آن را توهین به ۸۵ میلیون ایرانی دانست (مرادی، ۱۳۹۹/۰۹/۱۲). در مقابل، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس جمهور نیز در پیامی توثیقی، با اشاره به دستور صریح و چندباره رهبری، اعتراض‌ها نسبت به عدم حضور رئیس جمهور را استهزاء پروتکل‌های ستاد ملی مدیریت مقابله با کرونا دانسته و «قانون‌مداری و ولایت‌پذیری» معترضین را مورد تردید قرار داد (معزی، ۱۳۹۹/۰۹/۱۳). این رخداد و بسیاری دیگر از بی‌توجهی‌های برخی سیاست‌مداران ایرانی به پروتکل‌ها در حالی مشاهده شد که در بسیاری از کشورها، مقام‌های وزارت بهداشت یا سایر مقام‌ها به دلیل نقض پروتکل‌های بهداشتی برکنار شده یا خود استعفا دادند.

برای نمونه، می‌توان به استعفای وزیر بهداشت جمهوری چک، وزیر صنعت غنا (Reuters, 2020/07/03)، باهاماس، انگلیس، کمیسر تجارت اتحادیه اروپا (France24, 2020/08/27)، مقام ارشد وزارت بهداشت اسکاتلند (NYTimes, 2020/05/05)، وزیر بهداشت نیوزلند، مقام

ارشد کمیته علمی دولت بریتانیا (Insider, 2020/06/13)، دادستان کل ژاپن (Aljazeera, 2020/05/21)، وزیر کشاورزی ایرلند (Financial Times, 2020/08/21) اشاره کرد. بسیاری از مقامات دیگر مانند رئیس جمهور ایالات متحده نیز در معرض انتقادهای شدید قرار گرفته و بعضاً مجبور به عذرخواهی شدند.

مباحث موافق و مخالفی که در موضوع تهیه واکسن کرونا ایجاد شد، نمونه دیگری از وجود زمینه برای سیاست‌زده شدن همه چیز در ایران بود. هنگام تدوین نسخه نهایی مقاله حاضر (فروردین ۱۴۰۰) در اغلب کشورها این موضوع در حوزه تخصصی و حرفه‌ای سلامت حل و فصل شده و واکسیناسیون بخش‌هایی از جمعیت نیز آغاز شده است؛ حال اینکه این موضوع هنوز در ایران در چنبره مباحث بی‌پایان سیاسی گرفتار مانده است. از یک سو مقام‌های دولتی در گزارش‌های خود به دشواری در انتقال منابع مالی اشاره کرده و بعضاً آن را برخاسته از عدم الحاق به FATF می‌دانند. از سوی دیگر، منتقدین دولت مانند برخی نمایندگان مجلس با انتقاد تند از دولت در ارتباط دادن خرید واکسن با پذیرش FATF، این موضوع را خلاف واقع دانسته و اشاره می‌کنند که مسائلی مانند خرید واکسن «هیچ ارتباطی به FATF ندارد و مردم بدانند که فقط این اتفاقات شو و جنگ روانی برخی افراد در دولت است» (رشیدی کوچی، ۱۳۹۹/۱۰/۱۱).

ضمن اینکه عده‌ای دیگر با تفسیر سخت‌گیرانه از انذار مقام معظم رهبری درباره سلامت واکسن‌های تولید ایالات متحده و بعضی از کشورهای دیگر (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۱۰/۱۹)، این موضوع را از بحث تخصصی و پزشکی به امری سیاسی و غیرقابل بحث تبدیل کردند؛ حال آنکه بر اساس گفته‌های وزیر بهداشت «رهبر معظم انقلاب منعی برای واکسیناسیون با واکسن خارجی مورد تأیید قبل از تولید واکسن داخلی نداشتند» (نمکی، ۱۳۹۹/۱۱/۰۵).

قطبی‌شدگی سپهر عمومی سیاست و حکمرانی لاجرم به تحلیل‌های راهبردی و اطلاعاتی نیز سرایت می‌کند؛ چون سیاست‌گذاران و رهبران سیاسی در واقع کاربران اصلی بررسی‌های راهبردی و اطلاعاتی هستند. بنابراین، تحلیل‌های اطلاعاتی و راهبردی بیش از هر چیز باید نیاز آنها را شناسایی و رفع کند. به همین دلیل و در خلال شناسایی نیازها و گردآوری داده‌های

مورد نیاز سیاست‌گذار، زمینه قطبی‌شدگی اطلاعات نیز فراهم می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان شد، این امر به شیوه‌های مختلف رخ می‌دهد. گاه سیاست‌گذاران به‌گونه‌ای اعمال نظر می‌کنند که نتیجه بررسی‌های اطلاعاتی پیشاپیش مشخص می‌شود و گزارش‌ها صرفاً برای تأیید یا تنویریه‌کردن نظر سیاست‌گذار تهیه می‌شود. دونالد ترامپ یکی از سیاست‌مدارانی است که می‌توان از او به عنوان نمونه‌ای عالی در سیاست‌زده‌کردن همه چیز یاد کرد. وی به‌اندازه‌ای درباره دیدگاه‌های خود سخت‌گیر بود که ارائه‌کنندگان ارزیابی‌های مخالف با دیدگاهش را در شبکه‌های اجتماعی مانند توئیتر مورد سرزنش قرار داده و بسیاری از آنها را نیز اخراج کرد.

در مقاله‌ای که وولز و استروبل (2020) تحت عنوان «فصلی نو در رابطه متشنج میان رئیس‌جمهور و جاسوسان» در وال استریت ژورنال منتشر کردند، بسیاری از مقام‌های کنونی و سابق در دستگاه‌های اطلاعاتی ایالات متحده به دشواری‌های گزارش‌دهی به رئیس‌جمهور ترامپ اشاره کرده بودند؛ به‌ویژه زمانی که پای اطلاعات منفی درباره روسیه در میان بود. این «خودسانسوری» به‌اندازی قوی بوده که دستگاه‌های اطلاعاتی ایالات متحده در برخی موارد، از ارائه گزارش‌های امنیتی مربوط به تلاش روسیه برای کشتن نظامیان آمریکا در افغانستان به ترامپ خودداری کرده‌اند (Dustin and Strobel, 2020). در موردی دیگر، هنگامی که رهبران جامعه اطلاعاتی ایالات متحده «برآورد تهدیدهای جهانی» را به‌کنگره ارائه کرده و در آن، تهدید مرتبط با ایران را به‌اندازه ترامپ برجسته نکردند، وی این نهادها را ساده‌لوح دانسته و با تحقیر آنها، خواستار بازگشت آنها به مدرسه شد. همچنین، عموم ناظران بر این باورند که اخراج افرادی مانند جیمز کومی، رئیس اف‌بی‌آی، از سوی ترامپ (۲۰۱۷) یا اخراج اندرو مک‌کیب، معاون اف‌بی‌آی (۲۰۱۸) نه بر اساس ارزیابی عمل‌کرد آنها یا برای افزایش کارآمدی سازمانی، بلکه به دلیل سیاست‌زدگی و تعارض‌های دیدگاهی صورت گرفته است.

موارد مشابهی از سوگیری‌های مشابه در عرصه تحلیل‌های اطلاعاتی و راهبری ایران نیز قابل مشاهده است. برای نمونه، مرحوم هاشمی رفسنجانی در بخشی از خاطرات خود چنین روایت می‌کند: «آقای کریمی از [وزارت] اطلاعات آمد. از احتمال مقابله به مثل جناح چپ علیه مدیران جناح راست به خاطر انتقام مسئله شهرداری تهران اظهار نگرانی کرد و علاج

خواست» (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۹۹/۰۹/۱۲). بدیهی است که این‌گونه رویکردها، باعث می‌شود تحلیل‌گران راهبردی و نهادهای اطلاعاتی به جای هم‌افزایی، به پرونده‌سازی برای حزب یا جناح همسو با خود مشغول شوند. از سوی دیگر، دوقطبی شدن، با ایجاد یا تشدید گسست‌های اجتماعی و سیاسی، زمینه بی‌ثباتی سیاسی را فراهم کرده و هزینه‌های امنیتی و انتظامی نظام را افزایش می‌دهد.

به‌عنوان نمونه‌ای تازه‌تر، می‌توان به ترور شهید محسن فخری‌زاده، رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در ۷ آذر ۱۳۹۹ اشاره کرد. پس از این رخداد، به‌رغم اینکه احساسات عموم مردم جریحه‌دار شده بود و مقام‌های ارشد نظام مانند مقام معظم رهبری، رئیس‌جمهور، وزیر اطلاعات، فرمانده نیروی قدس و... ضمن تقدیر از زحمات شهید فخری‌زاده، بر ضرورت گرفتن انتقام از مسببین و هادیان ترور وی تأکید کردند، بخشی از جامعه سیاسی ایران که احتمالاً هر کدام در جامعه اطلاعاتی نیز نمایندگانی دارند، به جای بررسی حرفه‌ای و تخصصی این موضوع، به مقصربایی از جناح رقیب سیاسی مشغول شدند. یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در پیامی توثیتری، با این ادعا که ملاقات شهید فخری‌زاده با مدیر کل سابق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در زمان ریاست جمهوری حسن روحانی «با اصرار دشمن» و تأکید شخص رئیس‌جمهور انجام شده، خطاب به رئیس‌جمهور گفت: «قطعاً روزی باید در محکمه عدالت پاسخ‌گو باشید که این‌چنین راحت سرمایه‌های کشور را در دسترس جاسوسان و قاتلان مוסاد قرار دادید» (کریمی، ۱۳۹۹/۰۹/۰۸).

در رخدادی مشابه، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی ضمن تأکید بر پاسخ مناسب به تروریست‌ها، فرصت را مغتنم دانسته و آرزو کرد که «ای کاش سیاسیون و کاسب‌کاران مذاکره هم به اندازه دشمنان بر اهمیت مسیر شهید فخری‌زاده در تأمین و تضمین منافع ملی و حیاتی ملت واقف بودند و خطر نفوذ را جدی می‌دانستند». در پاسخ به این کنش‌گری‌ها، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور، از سازمان انرژی اتمی کشور خواستار روشن‌گری شد. سخنگوی سازمان انرژی اتمی نیز طی نامه‌ای رسمی، این ادعا را نادرست خواند و تأکید کرد که شهید فخری‌زاده «هیچ‌گاه در هیچ ملاقاتی چه با مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و با هیچ بازرس و مقامی از آژانس دیدار، مصاحبه، ملاقات و

مذاکره نداشته است» (کمالوندی، ۱۳۹۹/۰۹/۰۹). متعاقب انتشار این تکذیبیه رسمی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور، استفاده ابزاری از خون شهید فخری‌زاده را «که فراتر از نام‌ها و رنگ‌ها، سرمایه یک ملت بود» در واقع «ترور انسجام ملی» دانست که امری عادی نبوده و «حتی اگر خیانتی آگاهانه هم نباشد، نیازمند پیگیری دقیق‌تر انگیزه‌هاست» (معزی، ۱۳۹۹/۰۹/۰۸).

عده‌ای ترورهای پیشین دانشمندان هسته‌ای را نیز به حساب دولت مستقر گذاشتند؛ که البته مشخص شد مهم‌ترین ترورها هنگامی رخ داده که قوه مجریه در دست منتقدین بوده است.^۱ در تجمعاتی هم که برگزار شد، به موازات محکومیت بیگانگان، پلاکاردهایی نیز در محکومیت دولتی‌ها حمل می‌شد که با خطاب قراردادن معاون وزیر امور خارجه، ترور را نتیجه «سازش» و «تبادل جاسوس اسرائیلی» عنوان می‌کردند (مشرق‌نیوز، ۱۳۹۹/۰۹/۰۸) یا خطاب به رئیس‌جمهور عنوان می‌کردند که «این هم جواب آمریکا؛ معاون وزیرتان را کشتند، دست از مذاکره بردارید» (تسنیم‌نیوز، ۱۳۹۹/۰۹/۰۷). برخی مسئولین در پیام تسلیت‌شان، تأخیر در «انتقام سخت» مربوط به ترور سردار سلیمانی را زمینه‌ساز ترور شهید فخری‌زاده توسط دشمنان عنوان کردند. در این پیام، با نادیده‌گرفتن فرماندهی عالی مقام معظم رهبری در عرصه نظامی و دفاعی، تأخیر مزبور خلاف نظر معظم‌له عنوان شده بود و صرفاً افرادی مورد شماتت قرار گرفته بودند که باز از مذاکره و «بده و نستان» صحبت می‌کنند (قمی، ۱۳۹۹/۰۹/۰۷).

نمونه‌های فوق به روشنی نشان می‌دهد کنش‌گران سیاسی و فضای سیاست‌زده و دوقطبی تا چه اندازه‌ای می‌توانند نهادهای اطلاعاتی و راهبردی را دچار حاشیه‌ها کرده و کارآمدی‌شان را کاهش بدهند. نشانه‌هایی از ناکارآمدی نیز در همین ترور شهید فخری‌زاده بروز کرد؛ به طوری که دبیر شورای عالی امنیت ملی با اشاره به ناکامی تهدیدهای پیشین برای ترور این شهید، تأکید کرد که این بار نیز سامانه‌های اطلاعاتی کشور احتمال وقوع حادثه برای ایشان و حتی محل احتمالی آن را پیش‌بینی کرده بودند و تقویت لازم نیز در رابطه با حفاظت ایشان

۱. ترور شهید دکتر مسعود علی‌محمدی در دی ۱۳۸۸، ترور شهید مجید شهریاری در آذر ۱۳۸۹، ترور شهید داریوش رضایی‌نژاد در مرداد ۱۳۹۰ و ترور شهید مصطفی احمدی‌روشن در دی ۱۳۹۰ اتفاق افتاده است.

انجام شده بود، اما به دلیل تکرار اخبار مشابه در سال‌های گذشته «متأسفانه جدیت مورد نیاز اعمال نشد و این بار آنها موفق شدند» (شمخانی، ۱۳۹۹/۰۹/۱۰). مدیرکل آسیای غربی وزارت امور خارجه نیز تأکید کرد که موفقیت دشمن ناشی از توان او نبوده، بلکه به دلیل «خلاءهای اطلاعاتی» در کشور است (موسوی، ۱۳۹۹/۰۹/۰۷).

البته قرائن و موضع‌گیری بسیاری از مقام‌های ارشد و تحلیل‌گران سیاسی حاکی از آن است که آنها نیز نسبت به ریسک‌های دوقطبی شدن آگاه بوده و همواره خواستار اجتناب از آن بوده‌اند. برای نمونه، می‌توان به توصیه مقام معظم رهبری (مهر ۱۳۹۵) به رئیس‌جمهور نهم و دهم برای صرف‌نظر کردن از نامزدی مجدد در انتخابات ریاست جمهوری اشاره کرد؛ چون به فرموده ایشان، در این صورت در کشور دوقطبی ایجاد می‌شود و این امر به حال کشور مضر است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۰۷/۰۵).

۲. نفوذ

نفوذ از جمله راه‌کارهایی است که اغلب حاکمیت‌ها برای تقویت خود یا تضعیف رقبای دشمنان از آن بهره می‌گیرند. این امر تا آنجایی اهمیت داشته که ده‌ها بار مورد اشاره رهبران نظام بوده است. برای نمونه، مقام معظم رهبری در دیداری با رئیس و اعضای مجلس خبرگان، تلاش دشمن برای جهت‌دهی به محاسبات مسئولان را از جمله مهم‌ترین مصادیق نفوذ دانسته‌اند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰). در این مورد، ایشان اغلب به مرزبندی با دشمن و مهم‌تر از آن، رفع نقطه‌ضعف‌ها یا «نقاط کور راداری» تأکید داشته‌اند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۶/۰۷). در بیانیه «گام دوم انقلاب» نیز معظم‌له اقتصاد قوی را «نقطه قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور» دانستند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). ایشان در دیدار دیگری با وزیر، مدیران و کارکنان وزارت اطلاعات، دقت درباره صلاحیت افراد را از جمله راه‌کارهای مقابله نفوذ دانستند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۰۱/۲۹).

به‌رغم اینکه نفوذ امری حتمی است، اما خود این مفهوم بعضاً نقشی قابل تأمل در سیاست‌زدگی حوزه‌های مختلف حکمرانی ایفا کرده که علت آن استفاده گشاده‌دستانه کنش‌گران سیاسی از این اصطلاح بوده است. این امر تا جایی پیش رفته که برخی ناظران

هشدار داده‌اند که تفسیر از نفوذ و تعیین مصادیق آن نباید به محملی برای نفوذ تبدیل شود. از سوی دیگر، سیاست‌زدگی نیز می‌تواند با استحاله معنای نفوذ، آن را از معنا تهی کرده و عملاً زمینه‌های نفوذ را فراهم کند. در ادامه، به برخی موارد سیاست‌زدگی در استفاده از این اصطلاح در حوزه حکمرانی امنیتی اشاره می‌شود. در تیرماه ۱۳۹۸ برخی رسانه‌ها به نقل از دو نماینده مجلس اخباری مبنی بر نفوذ در وزارت نفت به واسطه ارتباطات یک خانم با تعدادی از مدیران منتشر کردند. متعاقب انتشار این خبر «یک مقام آگاه در وزارت اطلاعات» از طریق رسانه‌ها تأکید کرد که «محتوای پرونده‌های امنیتی صرفاً در اختیار مراجع ذی‌صلاح قضائی قرار می‌گیرد و بیان اتهاماتی از این دست توسط هر فرد یا مرجع دیگری فاقد اعتبار است» (مهرنیوز، ۱۳۹۸/۰۴/۰۴).

وزیر اطلاعات نیز در حاشیه مراسمی در پاسخ به سوالی مبنی بر «حضور جریان نفوذ در وزارت نفت» آن را صرفاً ادعا دانست و تأکید کرد که «شناسایی جریان و عناصر نفوذ، کار هر دستگاهی نیست و وزارت اطلاعات با نبوغ اطلاعاتی که دارد، می‌تواند جریان نفوذ را شناسایی کند». وی همچنین اشاره کرد که «افرادی که در پروژه نفوذ عمل می‌کنند، داغ‌ترین شعارهای حاکمیتی را سر داده و دیگران را متهم به ضدیت با نظام می‌کنند و چون فقط دستگاه اطلاعاتی آنها را شناسایی می‌کند، به دستگاه اطلاعاتی با عناوین مختلف حمله کرده و اگر بتوانند، تلاش می‌کنند ریشه دستگاه اطلاعاتی را در بیاورند» (علوی، ۱۳۹۸/۰۶/۰۵). تلاش برای پیشبرد برخی خواسته‌های فردی، گروهی یا صنفی از طریق آغشتن مسائل تخصصی به موضوعات سیاسی و امنیتی از جمله آسیب‌های استفاده از اصطلاح نفوذ است. در این مورد می‌توان به نامه ۲۳۰ نماینده مجلس به مقام معظم رهبری درباره عملیات عمرانی در اطراف حرم مطهر امام رضا(ع) اشاره کرد که در خلال آن، بخشی از ساخت‌وساز اطراف حرم مطهر به‌طور ضمنی بخشی از «اهداف جریان نفوذ» عنوان شده بود که «نه از طریق جاسوسی‌های متعدد، بلکه با قالب‌کردن الگوهای توسعه وارداتی و لیبرال سرمایه‌داری محقق می‌شود (نامه نمایندگان مجلس به مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۰۴/۰۳).

بدیهی است که این‌گونه تمسک بی‌رویه به این اصطلاح، تا چه حد می‌تواند به مرور آن را از معنای خود تهی کرده و تهدیدهای واقعی را مکتوم نگاه دارد. بیان مورد دیگری در حوزه

نظام خدمات سلامت، می‌تواند استفاده گسترده و سهل‌انگارانه از این واژه را آشکارتر نشان بدهد. در اواخر آبان ۱۳۹۹ وزیر بهداشت در جلسه ستاد دانشگاهی کووید ۱۹ در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، با انتقاد شدید از بخش تحقیقات پزشکی و سلامت کشور، از راه‌گشای بودن تحقیقات کاربردی در حوزه سلامت خبر داده و دلیل آن را مقاله‌محور بودن آن تحقیقات دانست (نمکی، ۱۳۹۹/۰۸/۲۹). متعاقب این سخنان، معاون تحقیقات و فناوری وزارت بهداشت و نیز دبیر شورای مشورتی بیماری کرونا در این وزارتخانه از سمت خود استعفا داده و هم‌زمان با انتشار نامه‌ای سرگشاده خطاب به وزیر بهداشت، از نحوه برخورد وی با موضوعات تخصصی این حوزه انتقاد کردند.

به محض اعلام این خبر، یکی از نمایندگان مجلس خبر داد که از این مقام مستعفی شکایات متعددی با موضوعاتی نظیر «مانع‌تراشی برای طب ایرانی- اسلامی، آزمایش داروی نامتعارف کرونا، تحدید جمعیت، ارائه اطلاعات به بیگانگان، استفاده از رانت برای شرکت دارویی و... به کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی واصل شده که طبق قانون همچنان مفتوح است» (خضریان، ۱۳۹۹/۰۹/۰۱). هم‌زمان، رسانه اثرگذار دیگری نیز طی گزارشی از سوابق فعالیت حرفه‌ای معاون مستعفی، او را «نماد یک تفکر و یک شبکه ذی‌نفوذ و قدرتمند در حوزه بهداشت و درمان» دانسته و اتهاماتی نظیر «تحدید نسل ایرانیان» و «تبدیل ایران به آزمایشگاه سازمان بهداشت جهانی» را به وی نسبت داد. بدون اینکه درباره محتوای گزارش‌ها داوری کنیم، فقدان هرگونه اطلاع‌رسانی قابل اعتنا تا زمان استعفای این فرد، این شائبه را ایجاد می‌کند که دیدگاه‌ها و دسته‌بندی‌های جناحی و سیاسی حتی در موضوعاتی هم که مستقیماً با سلامتی و جان مردم ارتباط دارد، اثرگذار هستند؛ چون یا قضاوت‌ها درباره وی نادرست است یا اینکه تا هنگام ابراز مخالفت وی با وزیر بهداشت و بعضی رویه‌های دیگر، ناکارآمدی‌های او نادیده گرفته شده بود.

در رخدادی دیگر، در حوزه قانونگذاری، یکی از نمایندگان مجلس در پیامی توئیتری ضمن اشاره‌ای گزینشی به بخشی از بیانات مقام معظم رهبری درباره واردکردن «عده و غده» توسط دشمن به کشور، مدعی شد که «هفتصد هیئت تجاری فنی سیاسی پس از برجام برای تخلیه اطلاعات نظام وارد کشور شدند. اطلاعات را با پوشش همکاری در

چهارچوب برجام با دستور آقای روحانی با خود بردند، ولی نفوذی‌هایشان باقی ماندند. با آن اطلاعات، عملیات طراحی [کرده] و [توسط] نفوذی‌ها اجرا می‌کنند» (کریمی قدوسی، ۱۳۹۹/۰۵/۰۵). هرچند تردیدی نیست که دشمنان و رقبا همواره در پی نفوذ و اثرگذاری در سیاست‌های کشور هستند، اما این امر نیز که ۷۰۰ هیئت در پوشش برجام وارد کشور شده و اطلاعات را تخلیه کرده باشند و از سوی دیگر، نفوذی‌های آنها بدون اینکه تا کنون شناسایی شده باشند، به کار خود ادامه بدهند، معنایی جز ضعف نگران‌کننده سامانه‌های امنیتی و اطلاعاتی کشور ندارد.

با مرور اخبار روزانه رسانه‌ها و موضع‌گیری‌های مقامات و شخصیت‌ها در حوزه‌های مختلف حکمرانی، می‌توان موارد متعددی از سیاست‌زدگی در استفاده از «نفوذ» را مشاهده کرد که همان‌طور که گفته شد، می‌تواند با تهی کردن این اصطلاح از معنای خود، بار هشداردهی آن را کاهش داده، زمینه بی‌تفاوتی مسئولین و نهادهای امنیتی نسبت به این موضوع را فراهم کرده و نهایتاً به غافل‌گیری راهبردی و امنیتی منجر شوند. در بعضی موارد، ممکن است اقدام کنش‌گران در توسل به اصطلاح «نفوذ»، خواسته یا ناخواسته متضمن تعیین دستورکار برای نهادهای امنیتی باشد. برای نمونه، در مهر ۱۳۹۹ یکی از نمایندگان مجلس که منتقد دولت است، ضمن اشاره به دشواری‌های معیشتی مردم، گفت: «من باور نمی‌کنم این فقر و تورمی که به وجود آمده، دست‌ساز و عمدی نباشد. حالا اینکه نفوذی‌ها در چه سطحی در این دولت وجود دارند، بحث دیگری است... نمی‌دانم نهادهای امنیتی چه کار می‌کنند؟ شاید نفوذی‌ها شیوه‌های جدیدی از نفوذ و جاسوسی را پیدا کرده‌اند... بنده بر اساس تحلیل — نه بر اساس خبر — اطمینان دارم که در آینده، جریان دستگیری‌های گسترده در ادارات دولتی خواهیم داشت؛ از نفوذی‌ها و جواسیسی که کارشان کارشکنی در کار این ملت است» (پنهایان، ۱۳۹۹/۰۷/۲۹).

بدیهی است که این‌گونه موضع‌گیری‌ها در شرایطی خاص و در صورت وجود بسترهای اجتماعی، ممکن است به مطالبه بخش‌هایی ذی‌نفع یا ذی‌نفوذ تبدیل شده و ضمن تأثیرگذاری بر کارکرد حرفه‌ای و تخصصی نهادهای اطلاعاتی، ماموریت‌های مجموعه حکمرانی امنیتی را نیز دچار انحراف کند و در نهایت باعث غافل‌گیری راهبردی کشور شود (قاضی‌زاده، ۱۳۹۹).

۳. موازی‌کاری

همان‌گونه که سیاست‌زدگی به دوقطبی‌شدن حوزه اطلاعات و تحلیل راهبردی منجر می‌شود، دوقطبی‌شدن نیز به نوبه خود ممکن است موازی‌کاری را به دنبال بیاورد. در نظام جمهوری اسلامی ایران، برای جلوگیری از سیاسی‌کاری سازمان اطلاعاتی، وزارت اطلاعات به‌عنوان یکی از اعضای کابینه دیده شده؛ تا همواره قابل نظارت از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی بوده و از تکرورهای نیز اجتناب شود. با این حال، طی دهه‌های گذشته این ساختار بندی همواره منتقدینی هم داشته که با استناد به نیاز همه قوا به تحلیل‌های اطلاعاتی و راهبردی، انفکاک وزارت اطلاعات از دولت و قرارگرفتن زیر نظر رهبری یا شورایی از سه قوه را پیشنهاد کرده‌اند. از نظر این گروه، در این صورت، نهاد اطلاعاتی از حوزه نفوذ جناح‌ها، اشخاص و احزاب خارج شده و از سیاست‌زدگی نیز به دور خواهد ماند؛ ضمن اینکه نیاز به موازی‌کاری در این حوزه به حداقل خواهد رسید.

در هر حال، متعاقب تحولات سیاسی و اجتماعی سال ۱۳۷۶، بعضی ناکارآمدی‌ها نظیر بروز اقدامات خودسرانه در حوزه اطلاعاتی (در دولت‌های هفتم و هشتم) که به استعفای وزیر اطلاعات انجامید و نیز تلاش برای اعمال نفوذ در رویه‌های اطلاعاتی و راهبردی (در دولت‌های نهم و دهم) که با برکناری وزیر اطلاعات و وادارکردن وزیر جانشین به استعفاء از سوی رئیس‌جمهور همراه بود، سازمان اطلاعات سپاه در سال ۱۳۸۸ رسماً تأسیس شد که کمابیش در همه حوزه‌های فعالیت وزارت اطلاعات، ورود داشته است. در اساسنامه وزارت اطلاعات، ساختاری به مدیریت این وزارت‌خانه تحت عنوان «شورای هماهنگی اطلاعات» برای جلوگیری از موازی‌کاری‌ها پیش‌بینی شده که جلسات آن به صورت هفتگی (بروجردی، ۱۳۹۶/۰۵/۲۵) تشکیل شده است. با این حال، در حدود یک دهه گذشته، دست‌کم از دید ناظران بیرونی، موارد قابل تأملی از اختلافات رویکردی و دیدگاهی در میان این نهادها به چشم خورده است.

حتی در دوره‌هایی که مدیران این دو نهاد اطلاعاتی قرابت رویکردی و فکری داشته‌اند، این موضوع کماکان از حساسیت برخوردار بوده و مقامات این نهادها نسبت به «موازی‌کاری‌ها» و به تیپ هم‌زدن‌ها در کارهای اطلاعاتی «هشدار داده‌اند» (مصلحی، ۱۳۹۱/۰۳/۰۹). در دوره

ریاست جمهوری یازدهم و دوازدهم نیز موازی‌کاری در نهادهای اطلاعاتی و راهبردی کماکان به‌عنوان مسئله مطرح بوده است؛ چنان‌که رئیس‌جمهور دوازدهم هنگام معرفی وزیر پیشنهادی اطلاعات به مجلس، ضمن تأکید بر انتقادش از وجود «اطلاعات موازی» در کشور، از وزیر پیشنهادی خواست به‌عنوان رئیس شورای هماهنگی اطلاعات، با تمام قدرت از اختیارات قانونی شورای هماهنگی اطلاعات استفاده کند و از سایر دستگاه‌های اطلاعاتی نیز خواست با وزارت اطلاعات هماهنگ شوند (روحانی، ۱۳۹۶/۰۵/۲۴). مسئولین ارشد دو نهاد موازی نیز نسبت به اهمیت این موضوع آگاه بوده و در مناسبت‌های مختلف بر ضرورت همکاری نهادهای موازی تأکید کرده‌اند.

در تازه‌ترین مورد، در دیداری که در اردیبهشت ۱۳۹۸ بین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سازمان اطلاعات سپاه و وزیر اطلاعات انجام شد، فرمانده سپاه، از وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه به‌متابه دو چشم‌بینای نظام نام برد که اقدامات یکدیگر را تکمیل می‌کنند. در همین دیدار، وزیر اطلاعات نیز از وجود «وفاق، همدلی و هم‌افزایی مطلوب» بین نیروهای موثر در امنیت کشور خبر داد (مشرق‌نیوز، ۱۳۹۸/۰۲/۱۵). به‌رغم تأکید همه مسئولین ذی‌ربط، نشانه‌هایی از اختلافات رویکردی در دو نهاد اطلاعاتی موازی کماکان قابل مشاهده است. این اختلافات یا اختلافات کارکردی، در قالب‌های مختلفی بروز می‌یابد که یکی از مهم‌ترین آنها، تلاش برای تسهیم در موفقیت‌های نهاد دیگر است. برای نمونه، در اسفند ۱۳۹۵ قائم مقام سازمان اطلاعات سپاه در مراسمی عمومی، از انجام یا مشارکت در برخی عملیات‌های اطلاعاتی توسط این سازمان خبر داد که عبارت بودند از کشف و خنثی‌کردن عملیاتی تروریستی در ۲۲ بهمن ۱۳۹۵، تبادل زندانیان ایرانی و آمریکایی در آستانه اعلام توافق هسته‌ای و بازداشت عبدالمالک ریگی رهبر گروه جندالله (نجات، ۱۳۹۵/۱۲/۰۵).

بعد از انتشار این سخنان، رسانه‌ها به نقل از «یک مقام آگاه امنیتی» اعلام کردند که هر سه عملیات مزبور توسط وزارت اطلاعات انجام شده و هیچ نهاد اطلاعاتی دیگری در آنها نقش نداشته است (ایسنا، ۱۳۹۵/۱۲/۰۸). در مقابل، چند ماه بعد و هنگامی که در خرداد ۱۳۹۶ مواضع داعش در دیرالزور سوریه توسط سپاه پاسداران مورد حمله موشکی قرار گرفت، وزیر اطلاعات اعلام کرد «نقاط تجمع سرکردگان داعش توسط وزارت اطلاعات در اختیار

یگان موشکی سپاه قرار گرفت» (علوی، ۱۳۹۶/۰۳/۳۱). اما سپاه پاسداران بلافاصله با صدور اطلاعیه‌ای تأکید کرد که «کلیه مراحل شناسایی و جمع‌آوری اطلاعات پیرامون وضعیت مقرها و موقعیت تروریست‌های تکفیری در منطقه دیرالزور، صرفاً توسط عوامل میدانی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فرآیندی دقیق و مطمئن صورت پذیرفت و در اختیار نیروی هوافضای سپاه قرار گرفت (روابط عمومی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶/۰۳/۳۱).

در رخدادی تقریباً مشابه، در مهر ۱۳۹۶ وزیر اطلاعات در واکنش به شایعه‌های رسانه‌ای مربوط به جاسوسی دختر رئیس وقت قوه قضاییه، ضمن تکذیب وجود هرگونه پرونده جاسوسی برای هیچ یک از اعضای خانواده ایشان، از معاونت ضدجاسوسی وزارت اطلاعات به‌عنوان «یگانه مرجع حرفه‌ای تشخیص اقدامات جاسوسی در کشور» یاد کرد (علوی، ۱۳۹۶/۰۷/۱۲). با این حال، بلافاصله رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران نیز ضمن تکذیب اتهام جاسوسی یکی از اعضای خانواده رئیس وقت قوه قضاییه، از «اشراف اطلاعاتی» این سازمان بر این حوزه خبر داد (طائب، ۱۳۹۶/۰۷/۱۲).

اختلافات رویکردی یا رقابت‌های سازمانی، به مواضع رسانه‌ای محدود نمانده و بعضاً به کنش‌های متعارض نیز کشیده شده است. به‌عنوان یکی از بارزترین موارد، می‌توان به دستگیری تعدادی از مدیران کانال‌های تلگرامی اشاره کرد که ظاهراً حامی دولت بودند. به دنبال این اقدام که در اسفند ۱۳۹۵ و توسط سازمان اطلاعات سپاه انجام شد، وزیر اطلاعات و شخص رئیس جمهور اتهام‌های مطرح‌شده به این افراد را بی‌اساس اعلام کردند. وزیر اطلاعات در اوایل فروردین ۱۳۹۶ اعلام کرد که «دولت از ابتدا با دستگیری مدیران کانال‌های تلگرامی مخالف بوده است» (علوی، ۱۳۹۶/۰۱/۱۶). او در خرداد ۱۳۹۶ نیز در نشست کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تأکید کرد که موضوع بازداشت‌شدگان، مسائل ضدارزشی، ضداخلاقی یا ضددینی نیست و «اغلب آنها افراد بسیار خوبی هستند و جزو خانواده انقلاب و نظام محسوب می‌شوند» (علوی، ۱۳۹۶/۰۳/۱۶).

قوه قضاییه نیز موضع سازمان اطلاعات سپاه را تایید کرد و سخنگوی این قوه با رد اظهارات وزیر اطلاعات درباره عدم ارتکاب جرم توسط بازداشت‌شدگان، پای خود وزیر را نیز به میان کشید و گفت «در ارتباط با این افراد مطالبی در مورد خود وزیر اطلاعات مطرح است

سیاست‌زدگی و حکمرانی امنیت ملی؛ روندها، ... ۱۰۳

و در نتیجه وزیر نمی‌تواند در این پرونده اظهارنظر کرده و یا گزارشی تهیه کند» (محسنی اژه‌ای، ۱۳۹۶/۰۱/۲۳). این موضوع در در مرداد ۱۳۹۶ و هنگام رأی اعتماد به وزیران دولت دوازدهم نیز مورد توجه قرار گرفت و نایب رئیس مجلس با اشاره به آن، از وزیر پیشنهادی انتقاد کرد که در مقابل مداخله‌های نهادهای موازی، قادر نیست از «حقوق وزارت اطلاعات» صیانت کند و «وقتی از وزیر اطلاعات درباره بازداشت مدیران کانال‌های تلگرامی در آستانه سال ۱۳۹۶ سؤال کردیم، ایشان گفت این کار توسط نهاد دیگری انجام شده و خود من هم معترض هستم... زمانی که از بازداشت برخی دانشجویان و خبرنگاران یا افرادی که به اتهام جاسوسی بازداشت شده‌اند سؤال می‌کنیم، وزیر جوابی ندارد و می‌گوید از حیطة اختیار من خارج است» (مطهری، ۱۳۹۶/۰۵/۲۵).

ایجاد سرگشتگی مرجعیتی و اختلال کارکردی در ساختار سیاسی، به دلیل برآوردها و تحلیل‌های راهبردی متناقض، از پیامدهای منفی موازی‌کاری در حوزه تحلیل‌های راهبردی و اطلاعاتی است. برای نمونه، در سال ۱۳۹۶ در موضوع اتهام جاسوسی به یکی از اعضای تیم مذاکرات هسته‌ای (عبدالرسول دری اصفهانی) وزیر اطلاعات ضمن تأکید بر مرجعیت معاونت ضدجاسوسی وزارت اطلاعات در تشخیص موضوعات مرتبط به جاسوسی، اعلام کرد که فرد مزبور «نه تنها مرتکب جاسوسی نشده، بلکه در برابر حمله‌هایی که برخی سرویس‌های بیگانه به وی داشته‌اند، هوشیارانه مقاومت کرده و با معاونت ضدجاسوسی وزارت اطلاعات همکاری داشته است» (علوی، ۱۳۹۶/۰۷/۱۹). با این حال، به فاصله چند روز، دادستان تهران در نشست شورای معاونان دادستانی تهران ضمن رد اظهارات وزیر اطلاعات، وزارت اطلاعات را صرفاً یکی از ضابطان و کارشناسان دستگاه قضایی دانست که هرچند در حوزه تخصص خود کارشناس هستند، اما نظرات‌شان برای قاضی الزام‌آور نبوده و «انتظار وزیر اطلاعات که دستگاه قضایی را ملزم به رعایت نظر آن وزارت به عنوان ضابط قوه قضاییه دانسته، مغایر قانون» است (جعفری دولت‌آبادی، ۱۳۹۶/۰۷/۲۵).

اختلافات کارشناسی یا دیدگاهی دو نهاد موازی اطلاعاتی به موارد مذکور محدود نبوده و در پرونده‌هایی دیگر نظیر اتهام جاسوسی، بازداشت و محکومیت تعدادی از فعالان محیط زیست، موضوع مدیران دو تابعیتی و... بروز کرده است؛ که زمینه‌ها، ویژگی‌ها و پیامدهای

مشابهی داشته‌اند و برای پرهیز از تطویل، از بررسی جزئی‌تر آنها خودداری می‌شود. ساخت و پخش سریالی تلویزیونی با مضمون ردگیری و بازداشت جاسوسی در سطوح بالای دولت، از دیگر مواردی بود که بسیاری از ناظران آن را به‌مثابه تاییدی بر رقابت نهادهای موازی اطلاعاتی تعبیر کردند. در سریال مذکور که ایده آن ظاهراً از یکی از سازمان‌های اطلاعاتی کشور برخاسته بود، آزادی جاسوس مورد بحث، با آزادشدن مبالغی از پول‌های ایران در ایالات متحده پیوند یافته بود؛ حال اینکه بنا به مواضع وزارت اطلاعات و وزیر امور خارجه، این دو موضوع ارتباطی با یکدیگر نداشتند. تصویرسازی سریال مذکور از نیروهای ارشد دیپلماسی ایران به‌گونه‌ای بود که وزیر امور خارجه آن سریال را «یک دروغ تمام‌عیار» دانست که بر علیه وی ساخته شده است (ظریف، ۱۳۹۹/۱۰/۲۹)؛ که البته تهیه‌کننده سریال نیز در پیامی توئیتری، ضمن رد این ادعای وزیر امور خارجه، سریال مذکور را صرفاً علیه ایالات متحده اعلام کرد (امینی، ۱۳۹۹/۱۰/۳۰).

این موضوع، هنگام تبادل جاسوسی استرالیایی با سه تن از اتباع ایرانی که در خارج کشور بازداشت شده بودند، به‌گونه دیگری تکرار شد. به این ترتیب که اخبار این رخداد از جانب بعضی سایت‌های شناخته‌شده به‌گونه‌ای تنظیم شده بود که مخاطبان به این شائبه می‌رسیدند که معاوضه مذکور متوازن نبوده و دولت و تشکیلات اطلاعاتی وابسته به آن نتوانسته منافع ملی را به‌صورت تمام و کمال تأمین کند (فارس‌نیوز، ۱۳۹۹/۰۹/۰۶). در این میان، البته نمی‌توان مزیت‌های وجود نهادهای موازی را نادیده گرفت. موازی‌کاری اطلاعاتی و راهبردی به شرط وجود دستورالعمل‌ها و تقسیم‌کار دقیق و روشن و تبعیت همه نهادها از آن، می‌تواند با پوشش دادن به ضعف‌ها یا مشخص کردن کاستی‌ها، مزیت‌های قابل توجهی برای نظام سیاسی و نیز جامعه اطلاعاتی در بر داشته باشد. شاید بتوان آزادی تعدادی از شهروندان را که به اتهام ترور دانشمندان هسته‌ای در بازداشت وزارت اطلاعات بودند، از جمله مهم‌ترین دستاوردهای ساختار موازی اطلاعاتی دانست.

در سال ۱۳۹۱ در فیلمی مستند به نام «کلوب ترور» که از صدا و سیما پخش شد، چند تن از شهروندان ایرانی به مشارکت در ترور دانشمندان هسته‌ای اعتراف کردند. با اینکه اتهام‌های مزبور مجازات سنگینی در پی داشت، اما در مرداد ۱۳۹۸ متعاقب پخش مصاحبه یک شبکه

ماهواره‌ای فارسی‌زبان با یکی از شهروندان بازداشت‌شده، مشخص شد که به جز یک تن از این شهروندان، بقیه متهمان آزاد شده‌اند. طبق آنچه که در مصاحبه عنوان شد، در پی سناریوسازی یک رقیب شغلی، پرونده‌ای در وزارت اطلاعات مفتوح می‌شود و این شهروند به همراه تعدادی دیگر به ظن مشارکت در ترور دانشمندان هسته‌ای بازداشت شده و تحت بازجویی قرار می‌گیرند؛ که نهایتاً به اعتراف خلاف واقع جلوی دوربین می‌انجامد. در مقطعی از بازجویی، ظاهراً تصمیم گرفته می‌شود که از وی در ارتباط با مشارکت در انفجار مجموعه تولید موشک سپاه پاسداران در ملارد کرج نیز تحقیق شود؛ که در آبان ۱۳۹۱ رخ داده بود.

در همین راستا، وی برای بازجویی در اختیار سازمان اطلاعات سپاه قرار می‌گیرد. صرف‌نظر از این موضوع که در همان روزها خرابکاری در حادثه مذکور منتفی اعلام شده بود (کوثری، ۱۳۹۰/۰۸/۲۱) در خلال بازجویی‌ها، تناقضات مهمی آشکار شده و نهایتاً نیز مشخص می‌شود که وی با فشار بازجویان وزارت اطلاعات این اتهام را پذیرفته است. با آشکارشدن این موضوع، روند بازجویی از این فرد و سایر متهمان متوقف و از آنها دلجویی شد و مقدمات جبران خسارت و آزادی آنها نیز فراهم شد (رضایی، ۱۳۹۸/۰۶/۱۲). البته همین رخداد بیان‌گر سویه‌ای دیگر از سیاست‌زدگی نیز است؛ به این ترتیب که احتمالاً فشار سنگین مقام‌های سیاسی یا احساس رقابت در حوزه اطلاعات، بخشی از نیروهای نهاد اطلاعاتی را به این نتیجه رسانده که با فیصله‌دادن به پرونده ترور دانشمندان هسته‌ای و از آن مهم‌تر، خاتمه‌دادن به پرونده انفجار پادگان در ملارد، در رقابت بین‌سازمانی دست بالاتر را خواهند داشت. در این مورد می‌توان به هشدار دادستان تهران هنگام ترور مسعود شهریاری اشاره کرد که با انتقاد از تأخیر در یافتن عاملان ترور مسعود علی‌محمدی که در دی ۱۳۸۸ به شهادت رسیده بود، گفت: «امیدوارم این پرونده به سرنوشت پرونده استاد علی‌محمدی تبدیل نشود و قابل قبول نیست که پرونده‌ها این‌گونه شود» (جعفری دولت‌آبادی، ۱۳۸۹/۰۹/۰۹).

هرچند موازی‌کاری می‌تواند هم‌افزایی نیز به دنبال داشته باشد، اما اگر بین دو نهاد موازی اختلال یا شکاف ارتباطی به وجود بیاید، نظام سیاسی خسارات سنگینی متحمل خواهد شد. برای نمونه، در موضوع ترور شهید فخری‌زاده، بنا به گفته دبیر شورای عالی امنیت ملی «سیستم‌های اطلاعاتی کشور با دقت احتمال وقوع حادثه و محل بروز احتمالی حادثه علیه

ایشان را پیش‌بینی کرده بودند... متأسفانه جدیت مورد نیاز اعمال نشد و این بار دشمن موفق شد» (شمخانی، ۱۳۹۹/۰۹/۱۰). دستیار ویژه رئیس مجلس شورای اسلامی نیز به استفاده «عوامل این ترور از یک شکاف امنیتی» اشاره کرد (امیرعبداللهیان، ۱۳۹۹/۰۸/۱۸) و سخنگوی دولت نیز تأکید کرد که «وزارت اطلاعات با اشرافی که داشته، از چند ماه قبل و حتی چند روز قبل از حادثه، اطلاعات لازم را در قالب هشدار انجام عملیات تروریستی به صورت دقیق، با جزئیات و ذکر مکان‌های احتمالی و اهداف عملیات در اختیار سازمان‌ها و نهادهای حفاظتی مربوطه قرار داده بود... این احتمال وجود دارد که برخی جوانب و پروتکل‌های حفاظتی با دقتی که انتظار می‌رود، رعایت نشده باشد» (ریعی، ۱۳۹۹/۰۸/۱۱).

از همین رو بود که در پی این اقدام تروریستی، مشاور فرهنگی رئیس جمهور که معاونت در وزارت اطلاعات را نیز در سوابق خود دارد، در پیامی توثیقی، پنج اصل راهبردی را «برای آینده نبرد» منتشر کرد که دو مورد از آنها عبارت بودند از «فرماندهی یکپارچه اطلاعاتی و امنیتی» و «هم‌افزایی توانایی‌ها به جای رقابت‌های کم‌حاصل» (آشنا، ۱۳۹۹/۰۹/۰۷). بنابراین، موازی‌کاری که یکی از قالب‌های بروز سیاست‌زدگی است، به‌رغم برخی هم‌افزایی‌ها، می‌تواند با ایجاد فضای رقابت ناسالم، پیامدهای منفی قابل تأملی در حوزه حکمرانی امنیتی به بار آورد؛ که از آن جمله می‌توان به تضعیف فلسفه وجودی و انگیزه کاری، ایجاد و تقویت روحیه مع‌گیری و پرونده‌سازی و افشاگری، نادیده‌انگاری دستاوردهای نهاد دیگر یا تلاش برای سهم‌شدن در موفقیت‌های آن، سستی هر دو نهاد به تصور هشیاری نهاد دیگر، ایجاد تناقض‌های ناخواسته و ایجاد سرگشتگی کارشناسی و تضعیف اعتماد عمومی اشاره کرد.

۴. افشاگری یا نشت اطلاعات

ممکن است سیاست‌زدگی و تعلق خاطر حزبی و جناحی کارگزاران نظام سیاسی، زمینه و انگیزه‌ای را فراهم کند که ترغیب شوند با بی‌توجهی یا عدول از قوانین و دستورالعمل‌های امنیتی، اطلاعات پنهان را منتشر کنند. با تأملی در سوابق و خدمات بسیاری از کنش‌گرانی که بعضاً اطلاعات محرمانه کشور را افشا کرده‌اند، می‌توان تصدیق کرد که افشاگری‌های مزبور

عموماً نه به قصد ضربه‌زدن به امنیت کشور یا سودرسانی به کشورهای دیگر، بلکه صرفاً برای تأمین منافع سیاسی و گروهی بوده یا به دلیل ناآشنایی با/بی‌توجه به موازین و پروتکل‌ها صورت گرفته است. البته واضح است که نیت کنش‌گران، تأثیری در نتیجه افشاگری‌ها نخواهد داشت. در سال‌های گذشته موارد متعددی از اخبار و اطلاعات محرمانه در قالب خاطرات، سخنرانی، مصاحبه، مناظره و... فاش شده، که این هم‌اکنون نیز رخ می‌دهد.

برای نمونه، وزیر امور خارجه دولت‌های یازدهم و دوازدهم در واکنش به سوال یکی از نمایندگان مجلس که علت دعوت نکردن از نمایندگان در جلسات را پرسیده بود، چنین پاسخ داد: «اتفاقاً همان برادر در مذاکرات به کلی سری من و پوتین حضور داشت و بعد از آن گفت قرار است روسیه از ما نفت بخرد. همان گفته موجب قطع خرید نفت ایران از سوی روسیه شد؛ چون هرکجا که روس‌ها خواستند از ما نفت بخرند، آمریکایی‌ها جلوی آن را گرفتند... درباره چین و برجام هم همین‌گونه است؛ این یک معضلی است که سیاست خارجی با آن روبروست و کسی هم به کمک ما نمی‌آید» (ظریف، ۱۳۹۹/۰۴/۱۷). البته نماینده مذکور نیز در پاسخ، ضمن درخواست از وزیر امور خارجه برای ارائه سند در این مورد، تأکید کرد که «بنده به قدر کافی کار اطلاعاتی و امنیتی انجام داده‌ام که بدانم کدام خبر سری است و کدام خبر غیرسری. آقای ظریف بهتر است که کم‌کاری‌ها و عدم پیگیری‌های مطالبات به حق مردم را در حوزه دوزدن تحریم‌ها بهانه نکنند» (ظریف، ۱۳۹۹/۰۴/۱۷).

به دلیل عدم انتشار اطلاعات بیشتر در این مورد، امکان ارائه تحلیل کامل‌تر در این خصوص وجود ندارد، اما بر اساس اخبار و گزارش‌های رسانه‌ای، تلاش‌های ایران برای دوزدن تحریم‌ها و صدور بخشی از نفت خود از طریق روسیه در سال ۱۳۹۳ بی‌نتیجه ماند. در موردی تازه‌تر، پس از ترور شهید فخری‌زاده، یکی از دانشگاهیان هنگام سخن‌گفتن از علاقه آن شهید نسبت به مطالعه ترکیبی فیزیک و فلسفه، چنین روایت کرد: «بنده وقتی مسئول مؤسسه حکمت و فلسفه ایران شدم، شهید فخری‌زاده که با اسم مستعار محسنی شناخته می‌شد، سراغ من آمد و گفت که ما جلسات فلسفه و فیزیکی داریم، ولی می‌خواهیم این جلسات را با شما داشته باشیم» (خسروپناه، ۱۳۹۹/۰۹/۱۲). با توجه به اینکه هنگام انتشار این خاطره، یک هفته نیز از شهادت ایشان نگذشته بود، افشای اطلاعاتی نظیر اسم مستعار ایشان

می‌توانست پیامدهای جبران‌ناپذیری در حوزه اطلاعاتی و امنیتی به دنبال داشته باشد؛ چون احتمالاً هنوز فرصتی برای مدیریت ارتباطات پنهان ایشان ایجاد نشده بود.

به‌عنوان نمونه دیگری، چند روز پس از ترور شهید فخری‌زاده، فرمانده اسبق سپاه پاسداران، در مراسمی عمومی با اشاره به پیشروبودن سپاه در پرورش دانشمندان هسته‌ای گفت: «زمانی که فرمانده سپاه بودم، در کره شمالی توافقاتی شد که اگر این توافقات محقق می‌شد و محدودیت‌ها اعمال نمی‌شد، امروز در زمینه هسته‌ای از موشکی جلوتر بودیم» (رضایی، ۱۳۹۹/۰۹/۱۶). با توجه به اشتها کره شمالی به پیشرفت در حوزه تسلیحات هسته‌ای، بیان این موضوع از زبان یکی از مقام‌های عالی و مطلع کشور که فرماندهی ارشد نهادی نظامی را نیز در سابقه خود دارد، می‌تواند در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی و نیز فضای رسانه‌ای به‌عنوان حربه‌ای برای تبلیغ و اقدام علیه نظام مورد استفاده قرار بگیرد. با توجه به اینکه طبق فتوای مقام معظم رهبری که بارها از زبان مسئولین مختلف نظام تکرار و در مذاکرات بین‌المللی به آن استناد شده، تولید هرگونه سلاح کشتار جمعی از جمله بمب اتمی حرام است، این‌گونه اظهارنظرها می‌تواند مستمسکی فراهم کند که حتی فتوای معظم‌له نیز امری «تاکتیکی» تلقی شود.

همان‌طور که گفته شد، این‌گونه افشاگری‌ها معمولاً به قصد ارائه اطلاعات به بیگانگان منتشر نمی‌شوند، بلکه -اگر غیر عمدی و ناآگاهانه منتشر نشده باشند- هدف از انتشار آنها، پیشبرد اهداف شخصی یا حزبی و گروهی در سپهر سیاست است. با این حال، کاملاً واضح است که به هر دلیلی که رخ داده باشند، حکمرانی امنیت ملی را با چالش‌هایی جدی مواجه می‌کند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد نشان داده شود که سیاست‌زدگی نه تنها در سپهر عمومی حکمرانی کشور وجود دارد، بلکه در حوزه اقدامات و تحلیل‌های اطلاعاتی و راهبردی نیز بروز می‌یابد. هنگام سخن‌گفتن از سیاست‌زدگی در حکمرانی امنیتی جمهوری اسلامی ایران، توجه به دو نکته اهمیت اساسی دارد. نخست، اینکه جمهوری اسلامی ایران نظامی است که با غلبه بر نظام استبدادی پهلوی و با تکیه بر ارزش‌های دینی و اخلاقی تأسیس شده است؛ به این معنا که

توجه به معیارهای دینی و حق‌طلبانه، بخشی لاینفکی از هویت هستی‌شناختی آن به‌شمار می‌رود. هرچند به تدریج نقش ارزش‌ها و آرمان‌های دینی در میان مسئولین کاهش یافته (رفیع‌پور، ۱۳۸۹) هنوز بخش اعظم پایگاه اجتماعی و سرمایه سیاسی این نظام را باید در میان افرادی جستجو کرد که به ارزش‌ها و آرمان‌های دینی معتقد هستند. با این اوصاف، سیاست‌زدگی که معمولاً با نقض ارزش‌ها، عدالت و انصاف همراه می‌شود، قطعاً تهدیدی هستی‌شناختی برای نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران است.

اما نکته دوم این است که جمهوری اسلامی ایران در طول بیش از چهار دهه‌ای که از عمرش می‌گذرد، تقریباً هیچ‌گاه شرایط عادی را تجربه نکرده، در حالی که توصیه‌ها و نظریه‌های مربوط به امنیت و حکمرانی امنیتی عموماً مختص وضعیت‌های سیاسی عادی و اثبات است (5: 2015, Hegemann and Bossong). با این اوصاف، تا هنگام رفع شرایط غیرعادی و تغییریابنده، اجتناب از سیاست‌زدگی در حکمرانی امنیتی که متضمن حداکثر تخصص‌گرایی و بهره‌گیری از توان مردمی است، اندکی دور از انتظار به نظر می‌رسد. با در نظر گرفتن واقعیت مزبور، ضمن یادآوری یافته‌های مهم، پیشنهادهایی برای حوزه سیاست‌گذاری ارائه می‌شود.

یکی از راه‌کارهای اجتناب از سیاست‌زدگی این است که تحلیل‌ها و گزارش‌های کارشناسی و تخصصی تا جای ممکن از دنیای سیاست فاصله بگیرند، اما در این صورت نیز ممکن است میان تحلیل‌گران و سیاست‌گذاران فاصله ایجاد شده و همین امر موجب نادیده‌انگاری تحلیل‌ها از سوی سیاست‌گذاران بشود. به عبارت دیگر، فاصله‌گیری از نزدیکی به دنیای سیاست توأمان آسیب‌زا هستند. از طرف دیگر، وجود نظام انتخاباتی و رقابت‌های مربوط به آن، حدی از سیاست‌زدگی را دست‌کم در نهادهای انتخابی اجتناب‌ناپذیر می‌کند. بنابراین، شاید عمل‌گرایانه‌ترین گزینه این باشد که کارشناسان، تحلیل‌گران و کارگزاران نهادهای مختلف، در حرکتی پاندولی میان حوزه تخصصی و «سیاست» فعالیت کنند. شاید سیاست‌زدگی فی‌نفسه مسئله نبوده، بلکه دست‌کم در مواردی، راه حل نیز باشد. قطبی‌شدگی بعضاً تنها راه تشخیص تمایز مواضع و بیان اختلافات سیاسی است.

آنچه که در غیاب قطبی‌شدگی رخ می‌دهد، نه اجماع، بلکه سرکوب است؛ بدین معنا که هرچند مسائل مورد بحث قرار نمی‌گیرند، اما برای رفع‌شان نیز اقدامی صورت نمی‌گیرد. در برخی موارد، شاید بهترین کار همانا بازنگری و بهبود رویه‌ها در راستای تحقق سیاسی‌سازی متوازن^۱ باشد؛ به‌گونه‌ای که از همه‌گرایش‌های سیاسی اثرگذار، نماینده‌ای در فرآیندهای تصمیم‌سازی حضور داشته باشد. چون سازمان‌های اطلاعاتی باید در خدمت منافع ملی باشند، تمایلات و تحولات نظام سیاسی نباید بر اخلاق حرفه‌ای حاکم بر سازمان‌های اطلاعاتی اثر بگذارد و نظام‌های اطلاعاتی در هر نظام سیاسی که باشند، باید مانند پژوهش‌های علمی، فارغ از داوری ارزشی باشند و حوزه اثرگذاری ارزش‌ها صرفاً باید به مرحله استفاده از نتایج محدود بماند. با این اوصاف، تحلیل راهبردی و اطلاعاتی باید فارغ از تمایلات سیاسی و حزبی، منافع درون‌سازمانی و برون‌سازمانی و منافع شخصی سیاست‌مداران قرار داشته و فقط نتایج در اختیار سیاست‌مداران قرار گیرد.

بنابراین، همان‌طور که هندل هم اشاره می‌کند، بهترین رابطه اطلاعات و سیاست این است که اطلاعات در خدمت سیاست باشد، نه سیاست‌مداران (هندل، ۱۳۸۹: ۲۹۹). به این ترتیب، «سیاست» فقط در تعیین اهداف و سازوکارهای کلان و راهبردی در نهاد اطلاعاتی مداخله خواهد کرد.

هرچند تنوع سازمانی و تعدد نهادهای امنیتی و راهبردی گزینه‌های سیاست‌گذاران را افزایش داده و اطلاعات را از انحصار یا انحراف احتمالی خارج می‌کند، اما این را هم باعث می‌شود که سیاست‌گذاران بر اساس سلائق یا خواسته‌های خود، صرفاً به بعضی اطلاعات یا نهادهای اطلاعاتی توجه کنند. در این میان، حتی ممکن است کنش‌گران یا مقام‌های سیاسی و جناحی به هر کدام از نهادهای اطلاعاتی برچسب‌هایی جناحی یا حزبی نیز الصاق کنند. همچنین، قابل انتظار است که بخشی از توجه این سازمان‌های موازی به رصد یا میج‌گیری از یکدیگر معطوف شده و زمینه غافل‌گیری راهبردی و اطلاعاتی فراهم شود. نگارنده به این نکته نیز توجه دارد که ممکن است برخی اختلالات کارکردی که به چشم ناظر بیرونی، موازی‌کاری به نظر می‌آید، در

واقع ریشه در ملاحظات و سناریوهای پنهان و چندلایه داشته باشد. اما احتمال مذکور، چیزی از پیامدهای منفی موازی‌کاری نمی‌کاهد که عبارتند از ناکارآمدی نسبی در حوزه اطلاعات و نیز ارسال نشانه‌های بی‌دولتی و تشت آراء به جامعه.

همان‌طور که رابرت گیتس می‌گوید، باید از این قالب ذهنی آکادمیک که تحلیل را متعلق به تحلیل‌گر می‌داند، عبور کنیم (Gates, 1992). به عبارت دیگر، استفاده از برآیند تحلیل‌ها و بررسی‌های راهبردی سازمانی به جای نظرات تحلیل‌گران منفرد می‌تواند احتمال سیاست‌زدگی در محصولات راهبردی و اطلاعاتی را کاهش دهد. اگر سیاست‌گذار به دنبال آگاهی از دیدگاه‌های فردی باشد، می‌تواند آن را به‌طور مستقیم و به‌ویژه از تحلیل‌گران مستقل برون‌سازمانی طلب کند. مدیران سیاست‌زده به‌راحتی می‌توانند نهادهای اطلاعاتی و راهبردی را سیاست‌زده کنند. بنابراین، اجتناب حداکثری از نصب این‌گونه مدیران و کارگزاران به‌ویژه در مناصبی که کارکرد فیصله‌بخش دارند، اهمیتی راهبردی دارد. استفاده از سازوکارهای مختلف پایش و نظارت و برخورد با کارشناسان و تحلیل‌گران سیاست‌زده (در قالب‌های مختلف نظارت درونی، نظارت قوه مجریه، نظارت قوه مقننه، نظارت قوه قضاییه و نظارت عمومی) در کنترل کنش‌گران و نهادهای سیاست‌زده نقش بی‌بدیلی ایفاء می‌کند. همین‌طور، انتشار منظم و دوره‌ای اطلاعات نیز زمینه نظارت همگانی را فراهم کرده و سوءاستفاده‌های مبتنی بر دیدگاه‌های حزبی و سیاسی را به حداقل می‌رساند.

منابع

- آزر، ادوارد و چونگاین ایومون (۱۳۷۷) ابعاد نرم‌افزاری امنیت ملی: مشروعیت، انسجام و ظرفیت سیستم سیاسی، ترجمه گروه امنیت ملی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۲۲.
- آستانا، ان. سی. (۱۳۸۸) مدیریت اطلاعات و امنیت، ترجمه علی پیرحیاتی، دانشگاه امام باقر (ع).
- آشنا، حسام‌الدین (۱۳۹۹/۰۹/۰۷) پست توییتری، <https://twitter.com/hesamodin1/status/1332380692328706053> تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰.
- آندرسن، بندیکت (۱۳۹۳) جماعت‌های تصویری، ترجمه: محمد محمدی، رخداد نو.
- افتخاری، اصغر و قدیر نصری (۱۳۸۳) روش و نظریه در امنیت پژوهی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- امیرعبداللهیان، حسین (۱۳۹۹/۰۸/۱۸) برخی عواملان ترور شهید فخری‌زاده دستگیر شده‌اند، www.isna.ir/news/99091814432، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰.
- امینی، مجتبی (۱۳۹۹/۱۰/۳۰) گاندو علیه آمریکا بود، www.twitter.com/MojtabaAmini13/status/1351266260772859906، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۱۱/۰۲.
- ایسنا (۱۳۹۵/۱۲/۰۸) پاسخ یک مقام امنیتی به سردار نجات، www.isna.ir/news/95120805034، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۶/۱۲.
- بارجوزف، یوری (۱۳۹۴) مداخله اطلاعات در سیاست کشورهای دموکراتیک، ترجمه معاونت پژوهش و تولید علم، دانشگاه امام باقر (ع).
- بروجردی، علاءالدین (۱۳۹۶/۰۵/۲۵) شورای هماهنگی اطلاعات هر هفته جلسه دارد، www.irna.ir/news/82633257، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۶/۳۰.
- بوزمان، آدا ب. (۱۳۸۲) اطلاعات استراتژیک و کشورداری، ترجمه و انتشار: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۸۹) مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه و انتشار: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پناهیان، علیرضا (۱۳۹۹/۰۷/۲۹) حملات تند پناهیان به دولت، <https://www.tabnak.ir/fa/news/1010128>، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۷/۲۹.
- پیترز، گی و جان پی‌یر (۱۳۸۴) رویکردی تطبیقی به سیاست‌زدگی دستگاه اداری: تلاش برای کنترل، ترجمه محمد صفار، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- تسنیم نیوز (۱۳۹۹/۰۹/۰۷) تجمع اعتراضی دانشجویان مقابل شورای عالی امنیت ملی، <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1399/09/07/2398490>، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۲۰.
- جعفری دولت‌آبادی، عباس (۱۳۹۶/۰۷/۲۵) توضیح دادستان تهران درباره یک محکوم به جاسوسی و وضعیت برخی محکومان امنیتی، www.isna.ir/news/96072514407، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸.

- _____ (۱۳۸۹/۰۹/۰۹) این پرونده نباید به سرنوشت پرونده دکتر علی محمدی تبدیل شود، -www.isna.ir/news/8909-06127، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰.
- خبرآنلاین (۱۳۹۹/۰۹/۱۲) بی‌توجهی به نامه وزیر بهداشت درباره شرایط بحرانی کرونا، <https://www.khabaronline.ir/news/1461958>، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۱۲.
- خضریان، علی (۱۳۹۹/۰۹/۰۱) وصول شکایت از ملک‌زاده به‌دلیل «ارائه اطلاعات به بیگانگان»، www.tasnimnews.com/fa/news/1399/09/01/2394221، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۰۲.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۹/۰۹/۱۲) به آقا گفته بودند شهید فخری‌زاده حفاظت را رعایت نمی‌کند، <http://www.ensafnews.com/270801>، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۱۴.
- خسروی، علیرضا (۱۳۹۰) سیاست‌زدگی اطلاعات: از بی‌هویتی سازمان اطلاعاتی تا ناکامی نظام سیاسی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۳.
- ریبیعی، علی (۱۳۹۹/۱۰/۲۰) دوقطبی و اکسن ایجاد نکنیم، www.khabaronline.ir/news/1474388، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰.
- _____ (۱۳۹۹/۰۸/۱۱) محل وقوع ترور شهید فخری‌زاده پیش‌بینی شده بود، www.khabaronline.ir/news/1461609، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰.
- رشیدی کوچی، جلال (۱۳۹۹/۱۰/۱۱) پذیرش FATF هیچ تأثیری بر اقتصاد کشور ندارد، www.snn.ir/fa/news/901315، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۱۰/۱۱.
- رضایی، محسن (۱۳۹۹/۰۹/۱۶) توافق با کره شمالی عملیاتی می‌شود، در قله بلند هسته‌ای بودیم، www.mehrnews.com/news/5089027، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۱۷.
- رضایی، محمدابراهیم (۱۳۹۸/۰۶/۱۲) مازیسار ابراهیمی شکنجه نشده است / به او غرامت داده‌اند، www.isna.ir/news/98061206728، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۸/۰۹/۱۷.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۹) توسعه و تضاد: کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران، شرکت سهامی انتشار.
- روابط عمومی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۹۶/۰۳/۳۱) عملیات موشکی ضد تکفیری‌ها تحت امر فرمانده کل قوا انجام شد، www.isna.ir/news/96033118540، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸.
- روحانی، حسن (۱۳۹۹/۰۸/۲۱) از هر فرصتی برای رفع تحریم استفاده می‌کنیم، <https://www.isna.ir/news/99082114068>، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱.
- _____ (۱۳۹۶/۰۵/۲۴) دستگاه‌های اطلاعاتی دیگر با وزارت اطلاعات هماهنگ شوند، www.irna.ir/news/82632141، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۶/۱۲.
- رئیس‌ی، سیدابراهیم (۱۴۰۰/۰۱/۱۵) در وزارت اطلاعات فقط جناح انقلاب و ولایت وجود دارد، www.irna.ir/news/84283945، تاریخ بازیابی: ۱۴۰۰/۰۱/۱۶.
- رئیس‌ی، علیرضا (۱۳۹۹/۰۹/۰۵) جلسات صحن و کمیسیون‌های مجلس مطابق پروتکل‌های بهداشتی نیست، <https://www.irna.ir/news/84123727>، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۰۵.

زاکانی، علیرضا (۱۳۹۹/۰۸/۰۴) طرح استیضاح روحانی، <https://www.entekhab.ir/fa/news/581431>. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵.

زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۸) مقدمه‌ای بر قدرت ملی (مبانی، کارکردها، محاسبه و سنجش)، پژوهشکده مطالعات راهبردی. ذوالنوری، مجتبی (۱۳۹۹/۰۹/۰۸) www.twitter.com/zonnoour/status/1332478404277522434?p=v. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰.

سالارکیا، غلامرضا (۱۳۹۷) سیاست‌زدگی و کارآمدی در نظام اجرایی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۸۲. سالارکیا، غلامرضا، و مهدی میرمحمدی (۱۳۹۷) سیاست‌زدگی در سازمان‌های اطلاعاتی، پژوهشکده مطالعات راهبردی. شمخانی، علی (۱۳۹۹/۰۹/۱۰) سیستم‌های اطلاعاتی احتمال وقوع و محل بروز حادثه ترور شهید فخری‌زاده را پیش‌بینی کرده بودند، www.mashreghnews.ir/news/1150072. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴.

طائب، حسین (۱۳۹۶/۰۷/۱۲) رئیس سازمان اطلاعات سپاه از پروژه‌های جدید سرویس‌های جاسوسی بیگانه پرده برداشت، www.tasnimnews.com/fa/news/1396/07/12/1537126. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۵/۲۴.

ظریف، محمدجواد (۱۳۹۹/۱۰/۲۹) پس از پایان مسئولیت می‌توانم واقعیات را بگویم، <https://hamdelidaily.ir/?post=14194>. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۱۱/۰۲.

_____ (۱۳۹۹/۰۴/۱۷) روایت ظریف از لو رفتن مذاکرات پوتین توسط یک نماینده، www.tabnak.ir/fa/news/988991. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱.

علم‌الهدی، احمد (۱۳۹۹/۰۸/۳۰) اگر این را فرصت می‌دانید یا جاهل و بی‌سوادی یا فوق‌العاده خائن، <https://www.khabaronline.ir/news/1457699>. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱.

علوی، سید محمود (۱۳۹۸/۰۶/۰۵) شناسایی جریان نفوذ کار هر دستگاهی نیست، www.isna.ir/news/98060502513T. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۶/۰۷.

_____ (۱۳۹۶/۰۷/۱۹) وزیر اطلاعات: دری اصفهانی مرتکب جاسوسی نشده است، www.isna.ir/news/96071910878. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۵/۰۸.

_____ (۱۳۹۶/۰۷/۱۲) هیچ‌یک از اعضای خانواده رئیس قوه قضائیه در مظان اتهام جاسوسی نیستند، www.tasnimnews.com/fa/news/1396/07/12/1536087. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۵/۲۴.

_____ (۱۳۹۶/۰۳/۳۱) ناگفته‌های وزیر اطلاعات از حمله سپاه به مقر سرکردگان داعش، www.isna.ir/news/96033117811. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸.

_____ (۱۳۹۶/۰۳/۱۶) بیش از ۵۰ هزار کانال ضد ارزش و ضد اخلاقی را از صحنه خارج کردیم، www.icana.ir/Fa/News/336124. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۴/۱۸.

_____ (۱۳۹۶/۰۱/۱۶) دولت با بازداشت مدیران کانال‌های تلگرامی مخالف است، www.irna.ir/news/82482765. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۴/۱۸.

فارس‌نیوز (۱۳۹۹/۰۹/۰۶) تبادل جاسوس صهیونیستی با سه تاجر ایرانی، <https://www.farsnews.ir/news/13990905001123>. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۰۶.

قاضی‌زاده، علیرضا (۱۳۹۹) غافل‌گیری راهبردی و حکمرانی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۲۳، شماره ۹۰.

- قمی، محمد (۱۳۹۹/۰۹/۰۷) وقتی انتقام سخت دیر شد دشمن غدار حریص شد. www.mehrnews.com/news/5082039. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۲۰.
- کراهمان، الکه (۱۳۸۷) تهدیدات و بازیگران جدید در امنیت بین‌الملل، ترجمه جمعی از مترجمان، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کریمی، جواد (۱۳۹۹/۰۹/۰۸) www.twitter.com/Jkarimi_ir/status/1332335428465270784?p=v. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰.
- کریمی قدوسی، جواد (۱۳۹۹/۰۵/۰۵) ورود نفوذی‌ها به کشور در چهارچوب برجام، www.mashreghnews.ir/news/1099507. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰.
- کمالوندی، بهروز (۱۳۹۹/۰۹/۰۹) ادعای ملاقات شهید فخری زاده با آمانو کذب است، www.irna.ir/news/84127574. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰.
- کوثری، اسماعیل (۱۳۹۰/۰۸/۲۱) خرابکاری در حادثه ملارد منتفی است، www.tabnak.ir/fa/news/203261. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۶/۱۹.
- لوونتال، مارک ام. (۱۳۹۴) اطلاعات: از اسرار تا سیاست، ترجمه معاونت پژوهش و تولید علم، انتشارات دانشگاه امام باقر (ع).
- ماندل، رابرت (۱۳۸۷) چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه و انتشار: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محسنی اژه‌ای، غلامحسین (۱۳۹۶/۰۱/۲۳) اتهام ادمین‌های بازداشت‌شده مسائل ضد امنیتی و خلاف عفت عمومی است، www.mizanonline.com/fa/news/298040. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۴/۱۸.
- مرادی، احمد (۱۳۹۹/۰۹/۱۲) نطق میان‌دستور، www.icana.ir/Fa/News/461885. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۱۴.
- مشرق‌نیوز (۱۳۹۹/۰۹/۰۱) از «تحدید نسل» ایرانیان تا تبدیل ایران به «آزمایشگاه» سازمان بهداشت جهانی، www.mashreghnews.ir/news/1146360. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۱۲.
- _____ (۱۳۹۹/۰۹/۰۸) تجمع در اعتراض به ترور شهید محسن فخری‌زاده، <https://www.mashreghnews.ir/photo/1149323>. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۲۰.
- _____ (۱۳۹۸/۰۲/۱۵) جزئیات دیدار وزیر اطلاعات با فرمانده سپاه، www.mashreghnews.ir/news/956456. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۶/۳۰.
- مصلحی، حیدر (۱۳۹۱/۰۳/۰۹) باید جلوی موازی‌کاری‌های اطلاعاتی گرفته شود، www.isna.ir/news/91030905860. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۶/۱۲.
- مطهری، علی (۱۳۹۹/۰۹/۰۲) انتقاد تند علی مطهری از علم‌الهدی، <https://www.khabaronline.ir/news/1458471>. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۰۳.
- _____ (۱۳۹۶/۰۵/۲۵) وزیر اطلاعات نمی‌تواند به بسیاری از سوالات نمایندگان پاسخ دهد، www.irna.ir/news/82633205. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۴/۱۸.
- معزی، علیرضا (۱۳۹۹/۰۹/۱۳) ادب‌تان که هویدا بود، قانون‌مداری و ولایت‌پذیری‌تان هم آشکار شد، www.isna.ir/news/99091310467. تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۱۴.

_____ (۱۳۹۹/۰۹/۰۹) www.twitter.com/ar_moezi/status/1332772899523006466?p=v، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰.

_____ (۱۳۹۹/۰۹/۰۸) www.twitter.com/ar_moezi/status/1332772899523006466، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۱۴.
مقام معظم رهبری (۱۳۹۹/۱۰/۱۹) بیانات در سخنرانی تلویزیونی در سالروز قیام ۱۹ دی، www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47066، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵.

_____ (۱۳۹۷/۱۱/۲۲) بیانیه گام دوم انقلاب، www.farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴.

_____ (۱۳۹۷/۰۶/۰۷) بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، [www.farsi.khamenei.ir/speech-](https://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40399)
[content?id=40399](https://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40399)، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴.

_____ (۱۳۹۷/۰۱/۲۹) بیانات در دیدار وزیر، مدیران و کارکنان وزارت اطلاعات، [www.farsi.khamenei.ir/news-](https://www.farsi.khamenei.ir/news-content?id=39413)
[content?id=39413](https://www.farsi.khamenei.ir/news-content?id=39413)، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۷/۰۵.

_____ (۱۳۹۵/۰۷/۰۵) بیانات در ابتدای درس خارج فقه، www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34459، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۸/۲۰.

_____ (۱۳۹۴/۱۲/۲۰) بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، [www.farsi.khamenei.ir/speech-](https://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32587)
[content?id=32587](https://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=32587)، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۷/۰۵.

مهرنیوز (۱۳۹۸/۰۴/۰۴) توضیحات وزارت اطلاعات درباره خیر منتشرشده مبنی بر نفوذ در وزارت نفت، <https://www.mehrnews.com/news/4651107>، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۶/۰۷.

نامه نمایندگان مجلس به مقام معظم رهبری (۱۳۹۹/۰۴/۰۳) نامه ۲۳۰ نماینده مجلس به امام خامنه‌ای درباره جاسوسی از طریق جریان نفوذ، www.tasnimnews.com/fa/news/1399/04/03/2291971، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۵/۱۰.

نای، جوزف (۱۳۸۲) قدرت نرم، ترجمه محمد حسینی مقدم، فصلنامه راهبرد، شماره ۹.
نمکی، سعید (۱۳۹۹/۱۱/۰۵) رهبر انقلاب منعی در استفاده از واکنش خارجی نداشتند، www.irna.ir/news/84196915، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۱۱/۰۵.

نجات، حسین (۱۳۹۵/۱۲/۰۵) کشف ۳ شبکه بزرگ فساد اقتصادی/انهدام ۱۵۷ کانال مستهجن، www.mehrnews.com/news/3915666، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۶/۱۲.

هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (۱۳۹۹/۰۹/۱۲) خاطرات ۱۲ آذر ۱۳۷۶، www.entekhab.ir/fa/news/587886، تاریخ بازیابی: ۱۳۹۹/۰۹/۱۲.

هندل، مایکل (۱۳۸۹) جنگ، راهبرد و اطلاعات، ترجمه: علیرضا فرشچی و احمدرضا ارتقاء، مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی.

یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۸) امنیت نرم و چرایی آن، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۵.

Aljazeera (2020/05/21) Top Tokyo Prosecutor to Resign after Virus Breach, <https://www.aljazeera.com/economy/2020/5/21/top-tokyo-prosecutor-to-resign-after-virus-breach-japanese-media>, retrieved at: 2020-09-02.

Bar-Joseph, Uri (2013) The Politicization of Intelligence: A Comparative Study, **International Journal of Intelligence and Counter-Intelligence**, Vol. 26, No. 2.

Betts, Richard (2005) Politicization of Intelligence: Costs and Benefits, in: **Paradoxes of Strategic Intelligence**, London: Frank Cass Publishers.

- Bosson, Raphael and Hegemann, Hendrik (2015) Introduction: European Civil Security Governance – Towards a New Comprehensive Policy Space? in: **European Civil Security Governance**, London: Palgrave.
- Bunker, Bill (2018) The Politicization of Everything, Monitor, <https://www.concordmonitor.com/The-politicization-of-everything-18263022>, retrieved at: 2020-07-02.
- Caparini, Marina (2006) Applying a Security Governance Perspective to the Privatization of Security, in: Alan Bryden and Marina Caparini, **Private Actors and Security Governance**, Geneva: LIT & DCAF.
- Eisenfeld, Beth (2017) The Intelligence Dilemma: Proximity and Politicization—Analysis of External Influences, **Journal of Strategic Security**, Vol. 10, No. 2.
- Financial Times (2020/08/21) Ireland's Agriculture Minister Resigns Over 'Golfgate' Controversy, <https://www.ft.com/content/44aae77b-1e41-4f4b-aae5-0f0a6c1b7336>, retrieved at: 2020-10-24.
- Ford, Harold P. (1993) **Estimative Intelligence**, Lanham: University Press of America.
- France24 (2020/08/27) EU Trade Official Hogan Resigns after Alleged Violations of Covid-19 Guidelines, <https://www.france24.com/en/20200827-eu-trade-official-hogan-resigns-under-pressure-for-violating-covid-19-guidelines>, retrieved at: 2020-10-24.
- Gates, Robert (1992) Guarding Against Politicization, **Studies in Intelligence**, Vol. 36, No. 5.
- Graham, David A. (2012) Really, Would You Let Your Daughter Marry a Democrat? <https://www.theatlantic.com/politics/archive/2012/09/really-would-you-let-your-daughter-marry-a-democrat/262959>, Retrieved at: 19/09/2020.
- Guardian (2020/10/23) Czech Health Minister Set to Lose Job after Breaching his Own Covid Rules, <https://www.theguardian.com/world/2020/oct/23/czech-republic-health-minister-roman-prymula-resigns-breaching-own-covid-rules>, Retrieved at: 2020-06-24.
- Insider (2020/06/13) UK Epidemiologist Neil Ferguson Resigns Broking Coronavirus Lockdown, <https://www.insider.com/neil-ferguson-resigns-broke-lockdown-to-see-married-lover-2020-5>, retrieved at: 2020-06-24 .
- Kent, Sherman (1949) **Strategic Intelligence for American World Policy**, Princeton: Princeton University Press.
- Kirchner, Emil J. (2007) Regional and Global Security Changing Threats and Institutional Responses, in: Emil J. Kirchner and James Sperling (eds.) **Global Security Governance Competing Perceptions of Security in the 21st Century**, London: Routledge.
- Klein, Ezra (2020) **Why We're Polarized**, London: Profile Books .
- Krahmann, Elke (2008) The Rise of Non-state Actors in Security Governance, in: **Governance, Globalization and Public Policy** (eds.) InmKennett, Patricia, Cheltenham: Edward Elgar Publishing Limited.
- Krahmann, Elke (2003) Conceptualizing Security Governance, **Cooperation and Conflict**, Vol. 38, No. 1.
- Linker, Damon (2016) The Politicization of Everything, The Week, <https://theweek.com/articles/658894/politicization-everything>, retrieved at: 2020-08-10 .
- Maza, Cristina (2019) Donald Trump Tells His Own Intelligence Chiefs to 'Go Back to School' Over 'Naive' Assessment of 'Dangers of Iran', www.newsweek.com/donald-trump-intelligence-twitter-iran-school-1311429, retrieved at: 2020/11/22.
- New York Times (2020/05/05) A Top British Scientist Quits a Government Panel, <https://www.nytimes.com/2020/05/05/world/coronavirus-world-coverage.html>, retrieved at: 2020-07-10 .
- OECD DAC, Development Co-operation Directorate (2007) **The OECD DAC Handbook on Security System Reform (SSR): Supporting Security and Justice**, Paris: OECD DAC.
- Pelosi, Nancy (2021/01/12) Statement on President-Elect Biden's Nomination of Ambassador William Burns to Serve as CIA Director, <https://www.speaker.gov/newsroom/11221>, retrieved at: 2021-01-13.
- PEW (2020/06/25) Republicans-Democrats Move Even Further Apart in Coronavirus Concerns, www.pewresearch.org/politics/2020/06/25/republicans-democrats-move-even-further-apart-in-coronavirus-concerns/pp_covid-concerns-by-party_0-01, retrieved at: 2020-09-10.
- Pillar, Paul R. (2010) The Perils of Politicization, in: **The Oxford Handbook of National Security Intelligence, Loch K. Johnson** (eds.), Oxford University Press.
- Reuters (2020/07/03) Ghana Minister Resigns After Breaching Coronavirus Measures, <https://www.reuters.com/article/idUSKBN24414E>, retrieved at: 2020-08-21.

- Riste, Olav (2009) The Intelligence-Policy Maker Relationship and the Politicization of Intelligence, in: Gregory F. Treverton, Wilhelm Agrell (eds.), **National Intelligence Systems: Current Research and Future Prospects**, Cambridge University Press.
- Rovner, Joshua (2013) Is Politicization Ever a Good Thing? **Intelligence and National Security**, Vol. 28, No. 1.
- Salzmann, Karl J. (2018) The Politicization of Everything, www.nationalreview.com/2018/06/politics-mainstream-culture-politicization-of-everything, retrived at 2020-09-19.
- Volz, Dustin, and Warren P. Strobel (2020) A New Chapter in Fraught Ties Between President, Spies, <https://www.wsj.com/articles/a-new-chapter-in-fraught-ties-between-president-spies-11593777654>, retrieved at: 2020/09/12.
- Westermeyer, Gloria (2013) *The Impact of Private Actors on Security Governance: An Analysis based on German ISR Capabilities for ISAF*, München: Springer VS .
- Wirtz, James (2004) Intelligence to Please? The Order of Battle Controversy during the Vietnam War, in: Loch K. Johnson and James Wirtz (eds.), **Strategic Intelligence: Windows into a Secret World**, Angeles: Roxbury.
- Woodard, Nathan (2013) Tasting the Forbidden Fruit: Unlocking the Potential of Positive Politicization, **Intelligence and National Security**, Vol. 28, No. 1.